

۳

قصص الظهور

یا

دانشانی از ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قاسم میرخلف زاده

تقدیم به شهید احمد میرخلف زاده

قصص الظهور

یا

داستانهایی از ظهور مهدی

آل محمد علیهم السلام

تألیف:

قاسم میرخلف زاده



میر خلف زاده، قاسم ۱۳۳۵
 قصص الظهور، یا، داستانهای از ظهور مهدی آل محمد علیه السلام / تألیف قاسم میر
 خلف زاده. -
 قم: روحانی، ۱۳۸۰
 ۱۵۲ ص. (حضرت مهدی (عج) ۳)
 ۵۰۰۰ ریال: 3 - 25 - 5848 - 964 ISBN
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
 عنوان عطف: داستانهای از ظهور مهدی آل محمد عجل الله فرجه.
 ۱. مهدویت - انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. الف. عنوان - ب. عنوان:
 داستانهای از ظهور مهدی آل محمد عجل الله فرجه.
 ۹۵ د BP۲۲۴ / ۲۹۷:۴۶۲
 ۱۳۸۰
 کتابخانه ملی ایران
 ۳۲۶۰ - ۸۰ د



قم، خیابان ارم، پلاک ۳۲۵، تلفن: ۷۷۴۱۷۷۶

نام کتاب: قصص الظهور یا داستانهای از ظهور مهدی آل محمد علیه السلام

مؤلف: قاسم میر خلف زاده

ناشر: انتشارات روحانی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۰

چاپ: قلم

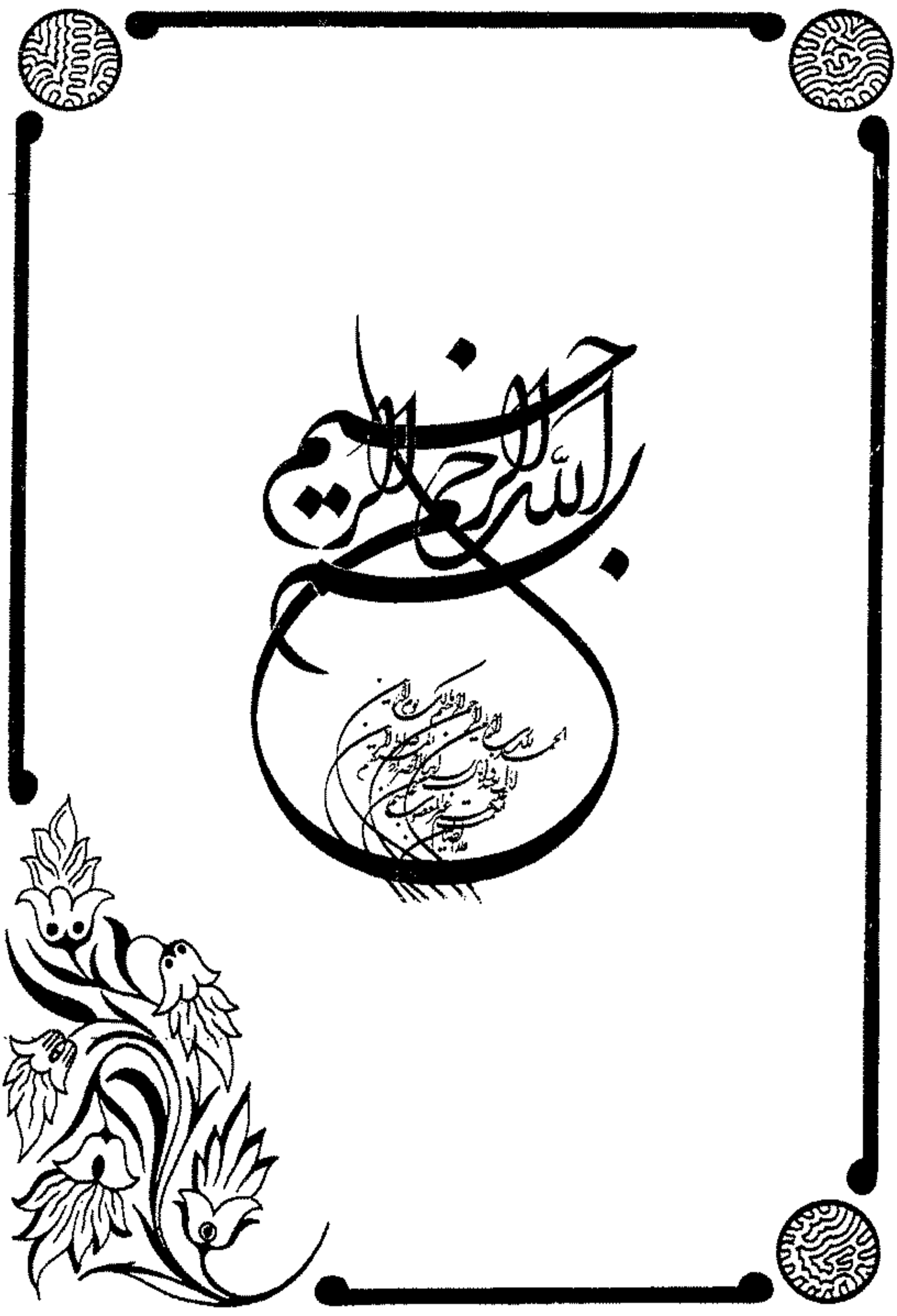
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰ تومان

مراکز پخش:

- ۱ - مرکز فرهنگی و پخش کتاب شهید احمد میر خلف زاده: قم، خیابان صفائیه، انتهای کوچه بیگدلی، پلاک ۱۱۸ و ۱۲۰، تلفن: ۷۳۰۱۸۸، تلفکس: ۷۷۴۷۰۰۳، همراه: ۰۹۱۱۲۵۲۰۶۶۷
- ۲ - قم، انتشارات مهدی یار تلفن: ۷۷۴۴۸۵۲
- ۳ - اصفهان - مؤسسه فرهنگی ولی عصر (عج) تلفن ۲۰۴۹۳۳
- ۴ - مشهد - انتشارات هائف تلفن ۲۲۵۵۲۰۰

شابک ۳-۲۵-۵۸۴۸-۹۶۴



﴿ فهرست کتابهای منتشر شده از مؤلف ﴾

﴿ انتشارات مهدی یار ﴾

داستانهایی از دعا (جلد ۱ و ۲)

داستانهایی از نماز (جلد ۱ و ۲)

داستانهایی از بسم الله الرحمن الرحيم (جلد ۱ و ۲)

داستانهایی از قرآن (جلد ۱ و ۲)

داستانهایی از خدا (جلد ۱ و ۲)

داستانهایی از حضرت زینب علیها السلام

داستانهایی از رسول خدا صلی الله علیه و آله

قصص امیرالمؤمنین یا داستانهایی از علی علیه السلام

داستانهایی از ائمه بقیع علیهم السلام

داستانهایی از پدر و مادر

داستانهایی از دنیا و آخرت

قصص الحسینیة یا داستانهایی از امام حسین علیه السلام

داستانهایی از حضرت رقیه علیها السلام

داستانهایی از حضرت زهرا علیها السلام

کرامات الحجّتیة یا معجزاتی از حضرت مهدی علیه السلام

قصص الظهور یا داستانهایی از ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام

قصص الحجّتیة یا داستانهایی حضرت مهدی علیه السلام

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
او وقتی ظاهر می شود.....	۱۵
نشانه‌های ظهور.....	۱۷
اصول علم و دانش ۲۷ حرف است.....	۲۰
هر شیعه کنار بسترش دعوت نامه‌ای می بیند.....	۲۲
صلح و سازش بین حیوانات.....	۲۳
هر مرد در آن زمان هزار پسر دارد.....	۲۵
پیراهن ابراهیم <small>علیه السلام</small> با امام زمان <small>علیه السلام</small> است.....	۲۶
امام زمان <small>علیه السلام</small> قرآن می خوانند.....	۲۷
و وارد آتش می شوند.....	۲۷
روزها و شبهای زمان ظهور.....	۲۹
ما احتیاجی به فرزندان فاطمه <small>علیها السلام</small> نداریم.....	۳۱
مسجدی ساخته می شود که هزار در دارد.....	۳۲
آن پیراهن با حضرت است.....	۳۴
تعداد فرشتگان در ظهور حضرت.....	۳۶
عصای موسی در زمان ظهور.....	۳۸
چون قائم (عج) زره را بپوشد.....	۴۰

- ۴۲ علی علیه السلام فرمودند: اگر قائم ما قیام کند
- ۴۴ ایمان آوردیم به قائم آل محمد علیه السلام
- ۴۶ من از هر کس به خدا نزدیکترم
- ۴۸ انتقام فاطمه علیه السلام را از او می‌گیرد
- ۴۹ گفتگوی امام صادق علیه السلام با ابوحنیفه
- ۵۲ سلطنت شرق و غرب را به او می‌دهم
- ۵۴ شریک جرم قتل، قاتل ماست
- ۵۶ پرچم و شمشیر به سخن در می‌آیند
- ۵۹ خدا آنها را در زمین فرو می‌برد
- ۶۰ دلهای آنها مانند پاره‌های آهن است
- ۶۲ اهل مکه ما را نمی‌خواهند
- ۶۵ جبرئیل می‌خندد
- ۶۷ در کاغذ نوشته طاعة معروفه
- ۶۹ جبرئیل و اسرافیل پیشاپیش او راه می‌روند
- ۷۱ آن رکن دلیل بر وجود قائم علیه السلام است
- ۷۳ امام زمان علیه السلام با چه روشی میان مردم حکومت می‌کند
- ۷۴ حضرت مهدی علیه السلام اسلام را پیشنهاد می‌کند
- ۷۶ مالک اشتر و سلمان فارسی در ظهور حضرت
- ۷۷ گویا می‌بینم دین شما آغشته به خون است
- ۷۸ حضرت با مردم بی‌دین می‌جنگد
- ۸۰ قسمتی از پیراهن قائم علیه السلام خون آلود است

- دیگر دندانش نمی شکست ۸۲
- پرچم قائم علیه السلام همان پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله که از برگ درخت بهشت است ۸۳
- امام قائم علیه السلام با مردمی مواجه می شود که بدتر از مردم زمان جاهلیت هستند ... ۸۶
- هر یک از آنها از شیر دلیرتر ۸۸
- در دولت حق تلافی آنرا خواهند کرد ۸۹
- عمر دنیا تمام نمی شود مگر...؟ ۹۰
- در دولت ما مخالفین دیگر فرصتی برای دشمنی با ما ندارند ۹۲
- امام زمان علیه السلام گردن شیطان را می زند ۹۴
- سلاح‌هایی که از زیر خاک بیرون می آورند ۹۶
- اگر او آفتاب و ماه را به سوی خود بخواند اجابت می کنند ... ۹۷
- آیا با حالت پیری ظهور می کند ۹۹
- دسته دسته از فرشتگان بر او فرود می آیند ۱۰۱
- امام حسین علیه السلام در ظهور امام زمان علیه السلام ۱۰۳
- اول کسی که دست امام را می بوسد جبرئیل است ۱۰۵
- فرشتگان به ترتیب دست او را می بوسند ۱۰۷
- امام زمان علیه السلام کتابهای آسمانی را تلاوت می کند ۱۰۹
- در ظهور حضرت فرشتگان و جن آشکار می شوند ۱۱۲
- مسجد کوفه را نیز خراب می کند ۱۱۴
- اهل مکه نائب امام را می کشند ۱۱۶
- در آن روز کربلا محل آمد و شد ملائکه می شود ۱۱۸
- کربلا تا موقع ظهور خیر و برکت زیادی برای شیعیان دارد ۱۲۰

- ۱۲۲ قضیه به آتش زدن آن دو نفر و عذاب آنها در قیامت
- ۱۲۷ خروج سید حسنی
- ۱۲۹ ... ملاقات سید حسنی و حضرت مهدی علیه السلام و نشان دادن علائم
- ۱۳۲ چه داستان زیبایی
- ۱۳۴ ظهور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۳۶ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام با قائم علیه السلام هستند
- همه امامان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و هر کدام به پیامبر از امت خود شکایت می کنند
- ۱۳۷
- ۱۳۸ شکایت حضرت زهرا در زمان ظهور
- ۱۴۱ دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غش کرد، علی علیه السلام عبا روی او انداخت و به سینه چسباند
- ۱۴۳ این بچه نزد جدش می رود و به او شکایت می کند
- ۱۴۵ یا رسول الله من متحمل رنجها شدم ولی صبر نمودم
- ۱۴۷ شکایت امام حسن علیه السلام
- ۱۴۹ دادخواهی امام حسین علیه السلام

مقدمه

«سلام علی آل یاسین، السّلام علیک یا داعی الله و ربّانی آیاته، السلام علیک یا باب الله و دیّان دینیه، السلام علیک یا خلیفه الله و ناصر حقه، السلام علیک یا حجة الله و دلیل ارادته، السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه، السلام علیک فی آناء لیلک و اطراف نهارک، السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه».

سلام بر آل یاسین، سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و عارف به آیاتش سلام بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دین او، سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او، سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده اش، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و ترجمان او، سلام بر تو در تمام آنات و دقائق شب و سراسر روز، سلام بر تو ای بقیة الله در روی زمین، سلام و درود بر خاتم اوصیاء و مفخر اولیاء و تنها باقیمانده خاندان عصمت و طهارت علیه السلام که با قیام خود آخرین حلقه از حلقات مبارزة حق و باطل را به پایان برده و کاخهای ستم و کنگره های بیداد را برای همیشه در

هم کوبیده و آنچه غایت بعثت انبیاء و کوشش اولیاء بوده در جامعه تحقق خواهد بخشید سلام و درود بر بهار انسانها و شکوفائی دورانها، یعنی آنکه با ظهورش، فجر نور شکافته و همه جا نور باران می شود، عدل و مساوات همه گیر شده و نابسامانیها در تمام محورهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... از میان خواهد رفت، جهلها و ستمها رخت خواهد بست، عقلها و دانشها به کمال خواهد رسید و زندگیها با طراوت و انسانها با صفا خواهند شد.

بار خدایا تو خودت و فرستادهات و فرشتگانت و پیغمبرت و والیان امرت را به من شناساندی، بار خدایا من نگیرم جز آنچه تو عطا کنی و هیچ نگهدارندهای جز تو برایم نیست، بار خدایا مرا از منازل دوستان دور مگردان و دلم را پس از آنکه هدایت کردهای منحرف منماید، بار خدایا مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساختهای هدایت فرمای و ولایت کسی را که اطاعتش را بر من واجب نمودی غیر از حضرت مهدی علیه السلام کسی نیست. در مورد حضرت مهدی علیه السلام و نام بلند آوازه اش، روایات و احادیث بسیاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هداة علیهم السلام آمده است که از او به نام اصلاح گر بزرگ عصرها و نسلها «مهدی» و «حجت»، «قائم»، «منتظر»، «خلف صالح»، «صاحب الامر»، و...

تعبیر شده است و بارها رسول خدا ﷺ فرموده که نام او نام من است و کنیه اش کنیه من.

اشاره اجمالی به بعضی از نام‌های حضرت به عنوان تیمن و تبرک بیان می‌کنم:

پیامبر ﷺ فرمودند نام مهدی نام من است «اسم المهدی، اسمی».

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: نام مهدی محمد است «اسم المهدی محمد علیه السلام» و آن بزرگوار مهدی نامیده شد، چرا که خداوند او را به امور نهانی که هیچ کس از آنها آگاهی نداده هدایت و ارشاد می‌نماید.

دومین نام مبارک آن حضرت قائم علیه السلام است، چرا که به بزرگترین قیام اصلاح‌گرانه تاریخ بشر دست می‌زند و براساس حق خالص و عدالت راستین و ناب به پا می‌خیزد.

سومین نام مبارک آن حضرت منتظر است، چرا که مردم همیشه و همواره ظهور و قیام او را انتظار می‌برند تا با قیام خود این کرهٔ خاکی را از ظلم و بیداد پاک و نورانی گرداند.

چهارمین نام مبارک آن حضرت صاحب الامر است، چرا که او پیشوای برحق است که خداوند اطاعت او را بر همهٔ بندگان واجب ساخته است از جمله در قرآن می‌فرماید:

هانای ایمان آورندگان! خدا و پیامبر و صاحبان امر را اطاعت کنید.

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم».

پنجمین نام مبارک آن حضرت «حجت» است به این دلیل که حجت خدا بر جهانیان و خداوند بوسیله او بر بندگانش اتمام حجت می‌کند.

خداوند انشاءالله این کشتی نجات که اینک برای ما گرفتاران امواج پر تلاطم دریای فساد و ظلم و طغیان که همه در انتظار ظهورش لحظه شماری می‌کنند را به ما برساند و تمام شاخه‌های کجی و گمراهی و هوا و هوسها را و دامهای دروغ و بهتان را قطع و نابود فرماید و چشم ما به جمال عزیزکننده دوستان خدا و خوارکننده دشمنان او روشن و منور گرداند.

و ما را جزو چنگ زندگان حقیقی به دامنشان و جزو کوشش کنندگان در طاعت و اطاعت و اداء کنندگان حقوقش و دور گزیدگان از معصیتش قرار دهد و دعا و خیر و مهر و لطفش را شامل حال ما کند تا ما به رحمت و اسعه خداوند و الطاف و عنایات رسول خدا و علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه قرار دهد و این کتاب و کتابهای دیگر را که جز جمع آوری و فضولی در

کتابهای دیگران چیز دیگر نبوده و فقط این ساعات و ایام و لیالی که وقت، صرف آنها شده را برای راهنمایی جوانان و جلب و جذب دیگران به سوی خدا و رسول خدا ﷺ و فاطمه زهرا علیها السلام و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و بعنوان باقیات صالحات از ما بنحو احسن قبول فرماید و ما را مشمول رحمت و عنایات خود و ولیش امام زمان علیه السلام گرداند و آنچه نوشتیم و گفتیم مایه و سرمایه و ذخیره دنیا و اول آخرت یعنی عالم برزخ و قیامت ما قرار دهد. سه عنوان کتاب بنام امام زمان علیه السلام جمع آوری نمودم که اولین آنها: کرامات الحجّتیّه بود که کرامات الحجّتیّه عنوان دوم می شود و قصص الحجّتیّه یا داستانهای از امام زمان علیه السلام عنوان اول میشود چون از ولادت با سعادت حضرت شروع شده و حدود ۴۰ داستان و ۳۰ وظیفه را بیان نمودم و کرامات الحجّتیّه می شود عنوان دوم با ۵۹ کرامت و عنوان سوم را بنام قصص الظهور یا داستانهای از ظهور مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله قرار دادیم که حدود ۷۰ داستان از ظهور حضرت بیان شده است و اغلب و اکثر اشعار عنوان اول و سوم از کتاب به عشق مهدی علیه السلام به نام آقای شائقی قمی آوردم خداوند به احسن الوجهه از ایشان قبول نماید.

امیدوارم این داستانها و نوشته‌ها به همه شیفتگان و دلباختگان

شوق، امید، آرامش روحی و فکر و نورانیت قلب بخشیده و ما را در جهانی از نور و صفا و الفت و همدلی و دوستی و محبت به خدا و محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین خصوصاً قطب دایره عالم امکان و ناموس عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مستغرق سازد و دعاهاى پر خیر و برکت حضرتش شامل حال همه ارادتمندان، شیعیان و مقام معظم رهبری - حفظه الله - و همه حوزه‌های علمیه و مردم ایران و سایر ملل مظلوم گردد و شهدای ایران، لبنان، فلسطین و افغانستان مخصوصاً امام خمینی «قدس سره» و عزیزانش به ویژه برادرش شهید احمد میر خلف زاده با شهدای کربلا مقرون و محشور فرماید.

ضمناً از جناب حاج ابراهیم آقای میرخلف زاده که مرا در امور مالی و معنوی و کاری یاری نمودند تشکر می‌نمایم.

والسّلام علی المهدی علیه السلام

قاسم میر خلف زاده

(۱)

﴿ او وقتی ظاهر می شود ... ﴾

شخصی می گوید به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم:

صاحب الامر شما تید؟

حضرت فرمودند:

من صاحب الامر هستم ولی آن صاحب الامری که زمین را پُر
از عدل می کند من نیستم، من چگونه می توانم آن باشم و حال
آنکه بدنم ضعیف است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

او حضرت قائم علیه السلام است وقتی که ظاهر می شود در سن بزرگ
سالان و قیافه جوانان است، آن چنان قدرتی دارد که اگر دستش
را به سوی درخت های بلند و بزرگ دراز کند از زمین بر می کند و
اگر بین کوهها فریاد زند سنگ های کوه از جا کنده می شوند،

عصای حضرت موسی علیه السلام و «انگشتر» خاتم حضرت سلیمان علیه السلام
با اوست. (۱)

ای جان به فدای جان ارزشمندت

دلهای موالیان حق پابندت

کی می شود ای ماه من اندر عالم

یکباره همه جهانیان بیندندت

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۲ / سیمای امام زمان علیه السلام: ص ۱۱۷.

(۲)

﴿ نشانه‌های ظهور ﴾

در شب معراج مطالبی راجع به نشانه‌های ظهور به رسول اکرم ﷺ وحی شد:

۱ - عیسی بن مریم علیها السلام پشت سر آن بزرگوار نماز می‌خواند.
 ۲ - زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.

۳ - بندگانم را به وسیله او «امام زمان علیه السلام» از هلاکت نجات می‌دهم.

۴ - گمراهان را به وسیله او هدایت می‌کنم.

۵ - نابینایان و بیماران را به وسیله او شفا می‌دهم.

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: عرض کردم خداوند! آن کی «چه زمان» خواهد شد؟

خطاب رسید:

۶ - هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای

- آن بنشیند و قرائت قرآن زیاد اما عمل به آن کم شود.
- ۷ - قتل و کشتار زیاد شود.
- ۸ - فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند.
- ۹ - علمای فاسق «بی عمل» و خیانتکار زیاد شوند.
- ۱۰ - شعراء زیاد شوند.
- ۱۱ - امت شما قبرستانها را مساجد قرار دهند.
- ۱۲ - قرآنها را زینت کنند.
- ۱۳ - مساجد را مجلل بسازند.
- ۱۴ - جور و فساد زیاد شود.
- ۱۵ - منکرات «زشتیها» ظاهر شود.
- ۱۶ - امت شما امر به منکر «به زشتی» کنند.
- ۱۷ - پیروان شما نهی از معروف کنند.
- ۱۸ - مردها به مردها اکتفا کنند «لواط».
- ۱۹ - زنان به زنان قناعت کنند «مباحقه».
- ۲۰ - زمامداران کافر شوند.
- ۲۱ - دوستان حکمرانان گنهکاران باشند.
- ۲۲ - یاوران آنها ستمگران باشند.
- ۲۳ - صاحبان رأی و نظر از آنان فاسقان باشند.
- ۲۴ سه خسف «فرو رفتگی زمین» در دنیا واقع شود.

- ۱ - خسف در مشرق
 - ۲ - خسف در مغرب
 - ۳ - خسف در جزیرة العرب
 - ۲۵ - خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو «سید» که زنگیها دنبالش را بگیرند.
 - ۲۶ - قیام مردی از اولاد امام حسین علیه السلام.
 - ۲۷ - ظهور دجال و قیامش از سجستان.
 - ۲۸ - خروج سفیانی^(۱).
- غمگین نشوم چون غم رویت دارم
حیران نشوم چو قصد کویت دارم
بر مه نگرم یاد جمال تو کنم
در شب هَوَسِ طُرَّةِ مَویت دارم

۱ - نشانه‌های ظهور او: ص ۴۶ / اثبات الهداة: ج ۷، ص ۳۹۰ و ۳۹۱.

(۳)

﴿ اصول علم و دانش ۲۷ حرف است ﴾

امام صادق علیه السلام فرمود:

اصول علم و دانش دارای ۲۷ حرف «رشته» است.

تمام پیامبران آنچه برای مردم تا به حال آورده‌اند دو حرف بوده، وقتی که قائم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر علوم را نیز آشکار می‌سازد و در میان مردم رواج می‌دهد و ضمیمه آن دو حرف می‌کند تا بیست و هفت حرف تکمیل گردد.

این پیشرفت نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی و اقتصادی و... نیز پدید خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن در عصر حکومت مهدی علیه السلام در حالیکه در مغرب سکونت دارد، برادرش را که در مشرق است می‌بیند.
خود امام قائم عجل الله تعالی فرجه شریف نیز همچون

حضرت علی علیه السلام اعلام می‌کند:

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنَّ بَيْنَ جَوَانِحِي عِلْمًا جَمًّا»

قبل از آنکه از میان شما بروم هر گونه سؤال دارید از من
بپرسید، چرا که سراسر وجودم سرشار از علم و دانش است.^(۱)
بر گل نبود طراوت روی تو هم جنت نرسد بساحت کوی تو هم
بر پهنه آسمان هلال هر ماه نبود چو خط هلال ابروی تو هم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۳۶ / حضرت مهدی فروغ تابان ولایت: ص ۲۸۱ /

نجم الثاقب: ص ۱۸۱.

(۴)

﴿ هر شیعه کنار بسترش دعوت نامه‌ای می‌بیند ﴾

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مردم چگونه به قیام آن حضرت آگاه می‌شوند؟ امام علیه السلام فرمود: «هر یک از شما وقتی از بستر برخواست، در کنار بسترش دعوت نامه‌ای می‌بیند که در آن، آیه ۵۳ نور نوشته شده و سپس در آن آمده، اطاعت خالصانه نشان دهید». مفهوم این روایت به تکنیک «فاکس» که از وسایل مهم مخابراتی امروز است بسیار نزدیک می‌باشد.

این روایت و روایت داستان ۳ حکایت از پیشرفت و رشد همه جانبه علوم مختلف در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌کند. (۱)

یار من اگر چهره نهان داشته است

بر سطح جهان جلوه بر افراشته است

مخفی اگر آن سرو قدش آمد لیک

اندر دل ما بذر صفا کاشته است

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۲۷۲ / حضرت مهدی فروغ تابان ولایت: ص ۲۸۲.

(۵)

﴿ صلح و سازش بین حیوانات ﴾

در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود:

گوسفند با گریه در یک جا و مکان زیست می کنند و بچه ها و اطفال با مارها و عقربها بازی می کنند و هیچ گونه اذیتی به همدیگر نمی رسانند و شرّ و بدی می رود و خیر و خوبی می ماند. گوسفند و گریه و گاو و شیر و مار و انسان از یکدیگر مأمون می شوند و ترسی ندارند.

در روایت دیگر از علی علیه السلام آمده:

«اگر قائم ما خروج کند، در میان حیوانات درنده و غیر درنده صلح می شود و همه مطیع و فرمانبردار آن حضرت شوند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

در آن زمان مرغان در آشیان خود جوجه گذارند و در دریاها ماهی ها تخم می گذارند و نهرها جاری می شوند و آب چشمه ها

بسیار شود و زمین چند برابر ثمر و رزق خود را برویاند.^(۱)

آنجا که تویی تمام خوبی آنجاست

آنجا که تو نیستی ندانم که کجاست

هستی به ثری و رب به ثریا اما

آن مسکن ثابت تو اندر دل ماست

(۶)

﴿ هر مرد در آن زمان هزار پسر دارد ﴾

علی علیه السلام در ضمن حالات سلطنت «حضرت مهدی علیه السلام» فرمودند:

قسم به آن «خداوندی» که دانه را شکافته و جان را آفریده که در آن زمان «مردم» پادشاه وار، آسوده و در ناز و نعمت زندگی می کنند. در آن زمان مردی نمی میرد تا اینکه از صلب او هزار پسر متولد می شود که این پسرها از هر بدعت و آفت و بی دینی در امان هستند و همه به کتاب خداوند و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله عمل می کنند و هرگز به آفتی مبتلا و به شبهه ای گرفتار نمی شوند.

و امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس در کس در کس کند قائم اهل بیت مرا، از هر آفتی شفا خواهد یافت و از هر ضعفی قوی خواهد شد. (۱)

ای خاتم اوصیاء بر حق مهدی مرآت جلال و نور مطلق مهدی
باز آ و به اهتزاز آور جانا بر قلّه فتح و نصر بیرق مهدی

(۷)

﴿ پیراهن ابراهیم علیه السلام با امام زمان علیه السلام است ﴾

شخصی به نام مفضل از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که ابراهیم علیه السلام هنگامی که او را به آتش افکندند پیراهن مخصوص را که جبرئیل علیه السلام از بهشت آورد پوشید.

امام عصر علیه السلام نیز این پیراهن را در وقت خروج و ظهورش می پوشد، در پایان مفضل می پرسد: بعداً این پیراهن کجاست؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: «و هو مع قائمنا اذا خرج».

یعنی: آن قمیص و پیراهن با قائم ماست هر گاه خروج نماید. (۱)

ای بر سر ما سایه لطف تو مدام

مشمول عنایتت خواص اند و عوام

خواهیم که زنده مان نماید یزدان

از بهر وصال تو به هنگام قیام

(۸)

﴿ امام زمان علیه السلام قرآن می خوانند ﴾
﴿ و وارد آتش می شوند ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی که قائم علیه السلام ظاهر می شود، شخصی از اصفهان به سوی آن حضرت می آید و معجزه ابراهیم خلیل الرحمن را از او می طلبد «چون حضرت را خداوند از آتش نجات داد:

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»^(۱)

یعنی: «به آتش دستور دادیم بر ابراهیم سرد و سالم باش». حضرت ولی عصر علیه السلام امر می کند که: آتشی بزرگ روشن کنند، و این آیه را می خوانند:

«فَسَبِّحْهُنَّ الذِّي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ و إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^(۲)

۱ - سوره انبیاء: آیه ۶۹.

۲ - سوره یس: آیه ۸۳.

یعنی: منزّه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است.

سپس حضرت داخل آتش می‌شوند و سالم از آتش بیرون می‌آیند و آن مرد اصفهانی مُنکر می‌شود و می‌گوید: این سحر و جادو است.

پس حضرت به آتش امر می‌کنند تا او را بگیرد و بسوزاند، پس آن مرد می‌سوزد.

حضرت می‌فرمایند: این است جزای کسی که انکار کند صاحب الزمان و حجة الرحمان را.^(۱)

از دیده ز دوری تو گریانم من

از سینه ز هجران تو سوزانم من

با آه و فغان بی تو به هنگام صبح

هر جمعه دعای ندبه می‌خوانم من

(۹)

﴿ روزها و شبهای زمان ظهور ﴾

عبدالکریم خثعمی روایت نموده که گفت به حضرت
صادق عرض کردم:

قائم علیه السلام چند سال سلطنت می کند؟

حضرت فرمودند:

روزها و شبها آنقدر طولانی می شود که هر سال زمان او به
قدر ده سال شما است، لذا مدت سلطنت حضرت به حساب سال
شما هفتاد سال خواهد بود.

موقعی که آمدن او نزدیک شد، در ماه جمادی الاخر و ده
روز از ماه رجب چنان باران می بارد که مردم مثل آنرا ندیده
باشند، و با آن باران خداوند گوشت و بدن مردگان مؤمنین را در
قبرهایشان می رویاند.

گویا من آنها را می بینم که می آیند و خاک موهای سر خود را
می تکانند. (۱)

در عالم ایجاد و در این ملک وجود

ای مظهر لطف ناب و سرچشمه جود

این نکته بدون هیچ شکی گویم

هرگز نبود به ز تو الحق موجود

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷ / مهدی موعود: ص ۱۱۱۹ / نجم الشاقب:

ص ۱۴۹، ۱۵۷ و ۱۵۸.

(۱۰)

﴿ ما احتیاجی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم ﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند: چون حضرت قائم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قیام کند به کوفه تشریف می‌برند، در آنجا دو هزار نفر مسلح و مخالف حضرت نزد امام می‌آیند و می‌گویند: از هر جا آمده‌ای برگرد و ما احتیاجی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم. امام علیه السلام شمشیر میان آنها می‌گذارد و تا آخرین نفر را می‌کشد، سپس حضرت وارد کوفه می‌شوند و در آنجا تمام منافقین را که یقین به حضرت ندارند به قتل می‌رساند. قصرهای کوفه را ویران می‌سازد و با جنگ جویان آنها نبرد می‌کند و آنقدر از آنها را حضرت می‌کشد که خداوند خشنود می‌گردد. (۱)

ای سرور بی نظیر وای رهبر خوب

عالم شده پر ز ماجرا و آشوب

کن دست بر آن قائمه شمشیری

کز بهر شریعت است خوش دشمن کوب

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۳۸، ح ۸۱ از کتاب ارشاد شیخ مفید علیه الرحمه /

مهدی موعود: ص ۱۱۲۰ / نشانه‌های ظهور او: ص ۱۱۲.

(۱۱)

﴿ مسجدی ساخته می شود که هزار در دارد ﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند: حضرت مهدی علیه السلام وارد کوفه می شود، در حالیکه سه گروه با سه پرچم با هم کشمکش دارند ولی در برابر او تسلیم می گردند، امام مهدی علیه السلام وارد مسجد می شود و بالای منبر می رود و برای مردم خطبه می خواند به قدری مردم از دیدن و استماع سخنان وی گریه می کنند و مردم با حضرت بیعت می کنند.

چون جمعه بعد فرا می رسد مردم به مهدی علیه السلام می گویند: ای فرزند رسول خدا نماز گزاردن پشت سر شما مانند پیغمبر است، مسجد گنجایش جمعیت ما را ندارد.

حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند: فکری برای شما خواهم کرد، سپس به سرزمین نجف می روند و نقشه مسجدی که دارای هزار درب و گنجایش همه مردم را داشته باشد می ریزد و ساختمان محکمی بنا می کند.

آنگاه حضرت دستور می‌دهند از پشت قبر امام حسین علیه السلام
نهری احداث می‌کند که آب آن به زمین‌های نجف و کوفه
می‌رسد و روی آن نهرها، راه‌ها، پل‌ها و.. می‌سازد.^(۱)
دردا که تو را ندیدم و جان دادم

جان در ره وصل پاک جانان دادم
ای کاش که زنده می‌شدم هنگام ظهور
این برگ تقاضا چو به یزدان دادم

(۱۲)

﴿ آن پیراهن با حضرت است ﴾

مُفَضَّلُ گفـت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: میدانی پیراهن یوسف چه بود؟
من گفتم: نه.

حضرت فرمودند: وقتی آتش برای سوزاندن ابراهیم علیه السلام افروختند، جبرئیل علیه السلام آمد و آن پیراهن را آورد و بر او پوشانید و تا آن را پوشیده بود، گرما و سرما در وی اثر نمی کرد، چون نزدیک وفات او شد آن را در محفظه‌ای پیچید «نظر بند» و به اسحاق علیه السلام آویخت و اسحاق هم به یعقوب علیه السلام آویخت چون یوسف علیه السلام متولد شد یعقوب آن را به یوسف آویخت.

وقتی آن بلاها به یوسف رسید آن به بازوی او بود، موقعیکه یوسف در مصر آن پیراهن را از میان پوست نظر بند بیرون آورد، یعقوب در کنعان بوی آن پیراهن را استشمام کرد و گفت:
«انی لا جد ریح یوسف لولا ان تفندون».

یعنی من بوی یوسف را استشمام می‌کنم اگر مرا به خطا نسبت
 ندهید این همان پیراهنی بود که جبرئیل آن را از بهشت آورد.
 مفضل می‌گوید: به امام عرض کردم: قربانت کردم! بعد این
 پیراهن به چه کسی رسید؟

حضرت فرمودند: به اهلش رسید زمانی که قائم ما ظهور
 می‌کند با او خواهد بود. (۱)

ای یاد تو چون یاد خدای ذوالمن

آرام دل غمزده و مضطر من

هرگز نشود که یاد خود برگیری

از قلب من ای عزیز در طول زمن

(۱۳)

﴿ تعداد فرشتگان در ظهور حضرت ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند: گویا من قائم علیه السلام را در بیرون نجف می بینم که بر اسبی تیره رنگ و ابلق که میان پیشانی تا گلویش سفید است سوار شده است، سپس اسبش او را به حرکت در می آورد به طوریکه مردم هر شهری خیال می کنند که قائم علیه السلام در میان شهرهای آنها است.

وقتی پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را بر می افراشد، سیزده هزار و سیزده فرشته از آسمان فرود می آیند و همه منتظر قائم علیه السلام می باشند، این فرشتگان همان فرشتگانی هستند که با حضرت نوح علیه السلام در کشتی بود و هنگامیکه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را در آتش افکندند با او بودند و موقعی که حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان بالا بردند با او بودند! و چهار هزار فرشته صف کشیده و علامت مخصوصی

دارند و هم چنین سیصد و سیزده فرشته جنگ بدر هستند. (۱)

از خواب سحرگاهان چو بیدار شوم

جسویای تو از درگه دادار شوم

گاهی که دعای عهد را می خوانم

یاد تو کنم به غم گرفتار شوم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۲۵، ح ۴۰ / مهدی موعود: ص ۱۱۱۳ / نجم الثاقب:

(۱۴)

﴿ عصای موسی در زمان ظهور ﴾

صفا از محمد بن فیض روایت کرده که: امام محمد باقر فرمودند: عصای موسی علیه السلام اول از آن حضرت آدم علیه السلام بود، سپس به حضرت شعیب و از او به موسی بن عمران رسید و فعلاً آن عصا نزد ما است در همین نزدیکی آن را دیدم، آن عصا مثل روزی که آن را از درخت بریدند سبز بود، و هر گاه با آن «عصا» سخن بگویند صحبت می کند، این عصا برای قائم ما علیه السلام به امانت گذارده شده، تا همانطور که موسی از آن استفاده می کرد، او نیز آن را به کار برد.

این عصا مردم بی دین را می ترساند و جادوی جادوگران را می بلعد و هر طور به آن دستور داده شود عمل می کند، چون دو لب عصا گشوده شود یکی در زمین و دیگری در سقف خواهد بود و فاصله میان دو لب او جهل ذرع است و ساخته و پرداخته

جادوگران را با زبانش فرو می برد.^(۱)

مهدی است که جز او نه پناهی است مرا
جز راه ولایتش نه راهی است مرا
از جانب او خواهش دیرینه من
یک گوشه چشمی و نگاهی است مرا

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۸، ح ۱۹ / مهدی موعود: ص ۱۱۱۰ / نشانه‌های ظهور او:

(۱۵)

﴿ چون قائم (عج) زره را بپوشد ﴾

ابوبصیر می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم،
قربانت گردم!

من می خواهم دستی روی سینه شما بکشم!
حضرت فرمودند: مانعی ندارد.

من دست به سینه و سرشانه مبارک حضرت کشیدم!

حضرت فرمودند: ای ابوبصیر چرا چنین می کنی؟

عرض کردم: قربانت شوم من از پدر بزرگوار شما شنیدم که
می فرمود: قائم ما سینه‌ای گشاده و سرشانه باز و عریض دارد.

حضرت فرمود: ای ابوبصیر! پدرم زره پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشید
برایش بلند بود، به طوری که روی زمین کشیده می شد.

حضرت فرمودند: من هم وقتی آن زره را پوشیدم به زمین
می رسید ولی چون قائم علیه السلام بپوشد، مثل این است که
پیامبر پوشیده است و دامن زره به زمین کشیده نمی شود،

گوئی اطراف آن را گره زده‌اند.
کسی که عمرش از چهل سال تجاوز کرده است، صاحب الامر
نیست. (۱)

ای بی تو جهان عدل و ایمان تنها
قرآن و گروه پیرو آن تنها
تنها تو اگر پرده ز رخ برگیری
دیگر نبود هیچ مسلمان تنها

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۹، ح ۲۰ / مهدی موعود: ص ۱۱۱۱ / نجم‌الشاغب: ص ۱۷۰، ۱۷۱.

این ابو بصیر یحیی بن قاسم، نابینا بوده، وی احتمال می‌داده که امام صادق علیه السلام مهدی موعود باشد، لذا با اجازه حضرت، دست روی سینه و سرشانه‌های مبارکش کشید تا علائم او را امتحان کند، حضرت با توضیحات خود، او را متوجه نمود که من اکنون بیش از چهل سال دارم، قائم کسی است که در نظر بینندگان بیش از چهل سال نداشته باشد. و بعضی از روایات راجع به سن حضرت ذکر شده که حضرت عمر طولانی دارد ولی هنگام ظهور به صورت جوانی کمتر از چهل سال و بسیار قوی و نیرومند خواهد بود.

(۱۶)

﴿ علی علیه السلام فرمودند: اگر قائم ما قیام کند ﴾

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خداوند دین را به وسیله ما گشود و هم به وسیله ما ختم می‌کند، به وسیله ما خداوند آنچه را بخواهد محو می‌کند و هر چه خواهد باقی می‌گذارد، به وسیله ما سختی زمانه را بر طرف می‌سازد و باران فرو می‌فرستد، پس مغرور نشوید، و از خدا دور نگردید.

اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌دهد و کینه‌ها از دل بندگان خدا زایل می‌شود و درندگان و حیوانات با هم ساخته از یکدیگر رم نمی‌کنند، تا جائیکه زنی که می‌خواهد راه عراق و شام را بییماید همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می‌گذارد و زینت‌های خود را بر سر دارد و کسی طمع به آن نمی‌کند، نه درنده‌ای به او حمله

می آورد و نه او از درندگان وحشت دارد.^(۱)

بر ما ز سوی کفر و نفاق است هجوم

با ما سر دشمنی بدارند عموم

تا در غم هجران تو هستیم اسیر

از ما نشود دور بلایا و هموم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱ / مهدی موعود: ص ۱۱۰۹.

(۱۷)

﴿ ایمان آوردیم به قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند:

چون قائم علیه السلام به بیابان «بیداء» می آید لشکر سفیانی به سوی او می رود، خداوند هم به زمین امر می کند که آنها را فرو گیرد چنانکه خداوند می فرماید:

«و لو ترى اذ فزعوا فلا فوت و اخذوا امن مكانٍ قريبٍ و قالوا آمنا»

چون دیدند به زمین فرو می روند، می گویند به قائم آل محمد ایمان آوردیم.

«و انى لهم التناوش من مكان بعيد و حيل بينهم و بين ما يشتهون»

یعنی: چگونه ممکن است از جای دور ایمان بیاورند تا از مرگ نجات یابند چنانکه شخص نمی تواند چیزی را از دست

کسی که از وی دور است بگیرد. (۱)

ای آنکه تو را شهرت عالم گیر است

در دست تو از کون و مکان تدبیر است

بر گیر غم دل به وصالت زیرا

هر شیعه که بینم ز غمت دل گیر است

(۱۸)

﴿ من از هر کس به خدا نزدیکترم ﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم گویا قائم علیه السلام را می‌نگرم که به حجرالاسود تکیه داده است و مردم را به حق خودش سوگند می‌دهد و می‌فرماید: ای مردم هر کس درباره خدا گفتگوئی دارد از من بپرسد که من از هر کس به خدا نزدیکترم...

آنگاه به طرف مقام ابراهیم می‌رود و دو رکعت نماز می‌گذارد، سپس مجدداً مردم را به حق خودش به امور یاد شده سوگند می‌دهد! آنگاه حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم «مضطرّ» و گرفتاری که خداوند در آیه:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ وَ يُجْعَلُكُمْ

خلفاء الارض»

اوست و اولین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل علیه السلام است،

آنگاه سیصد و سیزده نفر با وی بیعت می‌نمایند. (۱)

تا زنده‌ام اوصاف تو را می‌گویم

تا راه روم را تو را می‌پویم

تا در پی حق به جستجویم شب و روز

البته به هر مکان تو را می‌جویم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۵، ح ۱۰ / مهدی موعود: ص ۱۱۰۸.

(۱۹)

﴿ انتقام فاطمه علیها السلام را از او می‌گیرد ﴾

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: وقتی قائم ما قیام نمود، خداوند حمیراء «عایشه» را از قبر در آورد تا او را با تازیانه حدّ بزند، و هم انتقام فاطمه دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله را از او بگیرد. راوی می‌گوید: من عرض کردم: قربانت کردم! برای چه به او حدّ می‌زنند؟ حضرت فرمودند: برای افترائی که به مادر ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بست. راوی می‌گوید: عرض کردم: چرا خداوند حدّ او را تا روزگار قائم به تأخیر می‌اندازد؟ حضرت فرمودند: خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان رحمتی برای بندگانش فرستاد ولی قائم علیه السلام را برای کیفر آنها می‌فرستد. (۱)

سودای تو را تا که به سر دارم من

بر کار دگر نیست دگر کارم من

هرگز غم دنیا نخورم مهدی جان

تا بر غم هجران تو غمخوارم من

(۲۰)

﴿ گفتگوی امام صادق علیه السلام با ابوحنیفه ﴾

در علل الشرایع است که چون ابوحنیفه به خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید، حضرت از وی پرسیدند:
معنی آیه شریفه:

«قل سیروا فیها لیالی و ایاماً آمنین»

یعنی: بگو شب‌ها و روزهایی در کمال امنیت در زمین راه
روید، چیست؟ و این زمین کجا است؟

ابوحنیفه گفت: گمان می‌کنم مقصود ما بین مکه و مدینه باشد.
حضرت صادق علیه السلام به اصحاب رو کردند و فرمودند:

اطلاع دارید که در راه مکه و مدینه جلو مردم را می‌گیرند و
اموال آنها را به غارت برده و آنها هم از جان خود در امنیت
نیستند و کشته می‌شوند؟

عرض کردند: آری و با این گفتگو ابوحنیفه ساکت شد.

آنگاه حضرت فرمودند:

ای ابوحنیفه! بگو بدانم معنی این آیه چیست؟
 «مَنْ دَخَلَهُ كَانِ آمِنًا»

یعنی: هر کس داخل شود آسوده است.

حضرت پرسیدند: این محل کدام قسمت از زمین است؟
 ابوحنیفه گفت: خانه خداست.

حضرت فرمودند: البته می‌دانی که حجاج بن یوسف جرثقیل
 به خانه خدا بست و عبدالله بن زبیر را که پناه به آنجا برده بود به
 قتل رسانید، آیا او در آنجا آسوده بود؟

ابوحنیفه در اینجا نیز سکوت کرد، وقتی ابوحنیفه از خدمت
 حضرت خارج شد، شخصی به نام ابوبکر حضرمی به حضرت
 عرض کرد: قربانت گردم! جواب این دو سؤال که از ابوحنیفه
 پرسیدید چیست؟

حضرت فرمودند: مقصود از آیه اوّل که می‌فرماید: شب‌ها و
 روزهایی در کمال امنیّت در روی زمین راه بروید، یعنی با قائم ما
 اهل بیت در روی زمین با کمال امنیّت راه بروید و در آیه دوم که
 می‌فرماید: هر کس داخل آن شود «من دخله کان آمنا» آسوده
 است، یعنی هر کس با قائم بعیت کند و در سلک پیروان وی

داخل شود و دست او را بفشارد در کمال امنیت خواهد بود.^(۱)

جانها همه قربان تو ای مهدی جان

قربان تو و جان تو ای مهدی جان

در موسم احتضار و گاه سکرات

دست من و دامن تو ای مهدی جان

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۴، ح ۸ / مهدی موعود: ص ۱۱۰۶.

(۲۱)

﴿ سلطنت شرق و غرب را به او می‌دهم ﴾

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی مرا به معراج بردند صدائی شنیدم که گفت: یا محمد صلی الله علیه و آله! عرض کردم: بلی! ای خدای بزرگ! باز شنیدم که گفته شد: یا محمد صلی الله علیه و آله! تو بنده من و من خدای تو هستم، مرا عبادت کن و توکل بر من بنما زیرا تو در میان بندگان من نور من هستی و فرستاده به جانب بندگان من و حجت من بر بندگان من می‌باشی من بهشت خود را برای تو و پیروان تو خلق کردم، و آتش دوزخ را برای مخالفین تو آفریدم و کرامت خود را به جانشینان تو و ثواب خود را به شیعیان آنها دادم.

من عرض کردم: خداوندا! جانشینان من کیستند؟

ندا آمد که یا محمد صلی الله علیه و آله جانشینان تو کسانی هستند که اسامی آنها بر ساق عرش نوشته شده است. در همانجا به ساق عرش نگاه کردم، دوازده نور دیدم که در هر نوری سطر سبزی بود که نام هر یک از جانشینان من در آن نوشته شده بود اول آنها علی

ابن ابی طالب علیه السلام و آخر آنها مهدی امت من بود.
 من عرض کردم: پروردگارا اینها بعد از من جانشینان منند؟
 ندا آمد که ای محمد صلی الله علیه و آله آری اینان دوستان و برگزیدگان و
 حجت‌های من بعد از تو بر بندگان من می‌باشند و جانشینان و خلفا و
 بهترین بندگانم بعد از تو هستند.

به عزت و جلال خود قسم دین خود را به وسیله آنها بر او هام
 بشر غالب و کلمه خود را به وسیله آنها بلند می‌کنم و به وسیله
 آخرین آنها زمین را «از وجود بی‌دینان و اهل معصیت» پاک
 می‌کنم و سلطنت شرق و غرب را به او می‌دهم و بادهای را در
 اختیار او می‌گذارم و ابرهای سخت را برای او رام می‌گردانم، و
 در راه آسمان بالا می‌برم و با لشکر خود نصرت می‌دهم و به
 وسیله فرشتگانم کمک می‌کنم تا آنکه دعوت مرا اعلان کنند و
 بندگان را بر عقیده به توحید من گرد آورند. آنگاه سلطنت او را
 طولانی می‌گردانم و روزگار دولتش را میان دوستانم تا روز
 قیامت دراز و طولانی می‌نمایم.^(۱)

ای قاطبه شیعه ز هجرت مغموم دنیا ز وصال روی ماهت محروم
 الحق که به صدیقه کبری زهرا هستی تو یگانه یادگار معصوم

(۲۲)

﴿ شریک جرم قتل، قاتل ماست ﴾

شخصی به نام هروی روایت کرده که گفت: به حضرت رضا عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این حدیث چه می فرمائید که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه قائم علیه السلام قیام کرد، بازماندگان کشتندگان امام حسین علیه السلام به کیفر اعمال پدرانشان کشته می شوند؟

امام رضا علیه السلام فرمودند: همین طور است.

عرض کردم: پس اینکه خداوند در قرآن می فرماید: «ولا تزروا زرةً و زرةً اُخری».

یعنی: گناه کسی را به پای کسی نمی نویسند، یعنی چه؟

امام فرمودند: آنچه خدا فرموده صحیح است ولی بازماندگان کشتگان امام حسین علیه السلام از اعمال پدرانشان راضی هستند و افتخار به آن می کنند و هر کس از چیزی راضی باشد مثل اینست که آن را انجام داده است.

امام فرمودند: اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب راضی به کشته شدن او باشد، در نزد خدا شریک جرم و قاتل است، و علت اینکه قائم علیه السلام فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را هنگام ظهورش به قتل می‌رساند، اینست که: آنها از عمل پدرانشان خشنود هستند.^(۱)

هر دل که در آن مهر و تولای تو نیست
 هر سر که در آن یک سره سودای تو نیست
 آن دل گیل و آن سراسر لوحه کفر
 ایمان بجز آن مهر دل آرای تو نیست

(۲۳)

﴿ پرچم و شمشیر به سخن در می آیند ﴾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قائم علیه السلام را برای شخصی به نام ابن کعب اینگونه توصیف فرمودند: خداوند نطفه با برکت پاک و پاکیزه را در صلب حسین علیه السلام به وجود آورد که هر مؤمنی که خداوند از وی در خصوص دوستی اهل بیت پیمان گرفته است از آن نطفه خشنود است و هر منکر اهل بیت دوری می جوید.

او امام پرهیزکار ستوده خصال پسندیده و هادی و مهدی است که حکم به عدل می کند و دستور بدان می دهد و در گفتارش خدا را تصدیق می کند خداوند هم او را تصدیق می نماید، و چون دلائل و علائم آن آشکار شود، از سرزمین تهامه «سرزمین مکه» بیرون می آید.

او گنجهایی دارد که نه طلا و نه نقره است، بلکه اسبهای نیرومند و مردان ناموری است به عدد اصحاب بدر یعنی سیصد و سیزده نفر که از اطراف و اقطار جهان به او روی می آورند و نزد

او جمع می شوند و صحیفهٔ مهر کرده‌ای با اوست که تعداد یارانش با اسامی و شهرها و طبایع و اوصاف و کنیه‌های آنها در آن نوشته شده است و آنها همه سعی در فرمانبرداری او «مهدی» دارند.

ابن کعب عرض کرد: یا رسول الله! دلائل و علائم آمدن او چیست؟

حضرت فرمودند: پرچمی است که چون وقت قیام او شود، آن پرچم خود به خود بر افراشته می شود و همان پرچم «به سخن در می آید» به قائم علیه السلام می گوید:

ای ولی خدا برخیز! دشمنان خدا را نابود کن و آنها دو پرچم و علامت هستند.

حضرت شمشیری در غلاف دارد که چون وقت ظهورش نزدیک شود آن را از غلاف می کشد و خداوند آن را به زبان آورده و او نیز به او می گوید: ای ولی خدا! برخیز! و دشمنان خدا را به حال خود مگذار.

او از پس پرده غیبت بیرون می آید و هر جا دشمن خدا ببیند به قتل می رساند و احکام خدا را جاری می سازد و طبق دستور الهی حکم می کند، در حالیکه جبرئیل در سمت راست و میکائیل در جانب چپ او قرار گرفته‌اند، به زودی آنچه اکنون من به شما

می‌گویم، مردم به زبان می‌آورند هر چند بعد از زمانهای طولانی باشد.

رسول خدا فرمودند ای ابن کعب! خوش به حال کسی که او را ملاقات می‌کند و خوش به حال کسی که او را دوست می‌دارد، و خوش به حال کسی که عقیده به وجود او دارد و آنها را از مهالک دنیوی نجات می‌دهد و با اعتقاد به خدا و پیغمبر و تمام ائمه طاهرین خداوند درهای بهشت را برای آنها می‌گشاید، مثل آنها در دنیا، همچون مُشکی «بوی عطر» است که همیشه بویش استشمام می‌شود و هیچ‌گاه تغییر نمی‌یابد، و مثل آنها در آسمان مانند ماه تابان است که هیچ وقت نورش خاموش نمی‌شود.^(۱)

آئینه حق نما تویی مهدی جان

فخر همه ما سوی تویی مهدی جان

ای گنج نهان بقیة اللّهی تو

ختم همه اوصیاء تویی مهدی جان

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱۱ / مهدی موعود: ص ۱۱۰۳.

(۲۴)

﴿ خدا آنها را در زمین فرو می برد ﴾

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

قائم ما در مکه از مردم بر اساس خدا «قرآن» و سنت پیغمبرش بیعت می گیرد و حاکمی بر آنها تعیین می کند.

سپس به مدینه می رود و در میان راه به او خبر می دهند که حاکم او را کشته اند و او هم بر می گردد و با آنها دعوا می کند و بیش از این کاری نمی کند.

آنگاه حرکت نموده و در بین دو مسجد «مکه و مدینه» مردم را دعوت به عمل کردن به کتاب خدا و سنت پیغمبرش و دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیزاری از دشمنش می کند، تا آنکه به بیابان «بیداء» می رسد در آنجا لشکر سفیانی برای جنگ با وی به جانب او حرکت می کند و خدا آنها را در زمین فرو می برد. ^(۱)

خورشید فروزان ز فروغ رویت رخشنده مه از ماه رخ نیکویت
بر باغ طراوت گل و ریحان نیز زان شمه دل نواز خلق و خویت

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۸، ح ۸۳ / مهدی موعود: ص ۱۱۰۰.

(۲۵)

﴿ دل‌های آنها مانند پاره‌های آهن است ﴾

امام صادق علیه السلام به شخصی به نام فضیل ابن یسار فرمودند: گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده‌اند بر افراشته نشده است و مردانی هستند که دل‌های آنها مانند پاره‌های آهن است، شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم‌تر است اگر آنها را وا دارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می‌دارند.

لشکر آنها قصد هیچ شهری نمی‌کنند جز اینکه آن را خراب می‌نمایند، اسب‌های آنها زین‌های زرین دارند و خود آنها برای تبرک بدن خود را به زین اسب امام علیه السلام می‌سایند، آنها در جنگ‌ها امام علیه السلام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند، و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند. مردانی در میان آنها است که شب‌ها را به عبادت مشغولند، و

روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند، آنها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند، آنها در فرمانبرداری امام پیش از کنیز نسبت به آقای پافشاری دارند، آنها مانند چراغ‌های درخشانند. و دل‌هایشان همچون قندیل‌ها است و از خوف خدا خشنود می‌باشند، آنها ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند که در راه خداوند کشته گردند، شعار آنان این است یا الثارت الحسین، ای خون خواهان حسین علیه السلام!

از هر جا می‌گذرند، رُعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه در دلها جای می‌گیرد، و بدین گونه رو به پیش می‌روند، خداوند هم پیش رو و به سوی حق و حقیقت را پیروز می‌گرداند. (۱)

گر لطف و صفایی به گل و یاسمن است
زان طلعت با صفا و خلق حسن است
یاد تو به دل شفا بود مهدی جان
درد غم تو دواي هر درد من است

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲ / مهدی موعود: ص ۱۰۹۹ / زمینه سازان

انقلاب جهانی مهدی علیه السلام: ص ۷۲۸.

(۲۶)

﴿ اهل مکه ما را نمی خواهند ﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند: قائم علیه السلام به یاران خود می فرماید: ای مردم! اهل مکه مرا نمی خواهند ولی من برای هدایت فرستاده شدم تا آنچه شایسته است که شخصی مثل من به آنها بگوید گفته و با آنها اتمام حجت کرده‌ام، آنگاه مردی از یاران خود را می طلبد و به او می گوید: برو نزد اهل مکه و بگو ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم او به شما می گوید: ما خانواده رحمت و معدن رسالت و خلافت می باشیم، ما ذریه محمد صلی الله علیه و آله و سلم و سلاله پیغمبرانیم مردم به ما ستم نمودند و ما را در به در و مقهور کردند، و از هنگام رحلت پیغمبر تا کنون «حق» ما غصب شده است.

اکنون ما از شما چشم یاری داریم، از ما یاری کنید. وقتی آن جوان این سخنان را می گوید مردم بر او هجوم می آورند و در بین رکن و مقام او را می کشند و او همان مرد پاکدل «نفس زکیه» است چون خبر کشته شدن او به امام می رسد حضرت به یارانش

می فرماید: من به شما خبر ندادم که اهل مکه ما را نمی خواهند؟ اهل مکه هم او را دعوت به مکه نمی کنند و او هم با سیصد و سیزده مرد که به تعداد جنگجویان بدر هستند از کوه ذی طوی «کوهی مجاور شهر مکه» فرود می آیند و داخل مسجدالحرام می شوند و کنار مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می خواند، و تکیه به حجرالاسود می دهد و حمد و ثنای الهی می کند و بر حضرت رسول ﷺ درود می فرستد و به نحوی سخن می گوید که هیچ کس بدانگونه سخن نگفته است.

او نخستین کسی است که جبرئیل و میکائیل دست در دست او می گذارند و با وی بیعت می کنند، سپس پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام با آنها برخواسته کتاب نو و مهر شده ای را که هنوز مهرش خشک نشده و بر عرب دشوار است به او می دهند و به او می گویند: بر طبق آنچه در این کتاب است عمل کن، سپس آن سیصد و سیزده نفر و عده قلیلی از اهل مکه با وی بیعت می کنند و چون از مکه خارج شود مثل اینکه در حلقه است.

ابوبصیر می گوید: پرسیدم حلقه چیست؟

حضرت فرمودند: ده هزار مرد است که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند و در آن هنگام پرچم او را به اهتزاز در آورده همه جا می گردانند. و این همان

پرچم و زره سابق پیغمبر صلی الله علیه و آله است و شمشیر پیغمبر صلی الله علیه و آله به نام «ذوالفقار» را نیز حمایل می‌کند.

و از هر شهری جمعی به یاری قائم علیه السلام قیام می‌کنند مگر مردم «بصره» که یک نفر از آنها به کمک او نمی‌رود.^(۱)

ای محرم راز کبریایی مهدی

وی حجت خاتم خدایی مهدی

بر راه تو دیده می‌سپارم شب و روز

تا کی تو به چشم من بیایی مهدی

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۱ / مهدی موعود: ص ۱۰۹۸.

(۲۷)

﴿ جبرئیل می خندد ﴾

امام زین العابدین علیه السلام درباره قائم علیه السلام فرمودند: در زیر درخت تناوری می نشیند: در آن جا جبرئیل به صورت مردی از قبیله کلب^(۱) می آید و می گوید: ای بنده خدا برای چه اینجا نشسته ای؟ قائم علیه السلام می فرماید: منتظرم شب فرا رسد و هنگام شب به مکه بروم، نمی خواهم در این گرما بروم. در این موقع جبرئیل می خندد، از خنده او متوجه می شود که جبرئیل است. آنگاه جبرئیل دست او را می گیرد و با وی دست می دهد و به او سلام می کند و می گوید: برخیز! سپس اسبی به نام بُراق برای او می آورد و او را سوار می کند و به کوه رضوی می آورد، سپس محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام می آیند و عهد نامه ای برای او می نویسند تا

۱ - شاید مقصود دحیه کلبی که یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده که هر وقت جبرئیل

بر آن حضرت فرود می آمد به صورت او بود.

آن را برای مردم بخواند.

قائم علیه السلام از آنجا به مکه می‌رود و در حالیکه مردم در آنجا اجتماع کرده‌اند در این هنگام مردی می‌ایستد و می‌گوید: ای مردم این است مطلوب شما که به نزد شما آمده است و شما را به آنچه پیامبر دعوت می‌کرد.

مردی از طرف قائم علیه السلام می‌ایستد و می‌گوید: ای مردم! مطلوب شما این است اکنون به سوی شما آمد و شما را به آن احکام و قوانین دعوت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله شما را به پذیرش آن می‌خواند مردم به طرف او می‌روند که او را به قتل برسانند، ولی سیصد و چند نفر از جا بر می‌خیزند و آنها را از دور او عقب می‌زنند که ۵۰ نفر آنها از مردم کوفه هستند، و سایرین، مردم ناشناسی هستند که اغلب یکدیگر را نمی‌شناسند آنها در غیر موسم حج در مکه جمع می‌شوند.^(۱)

مستور ز چشم عاشقانی تا کی

مهجور ز دیده‌ها نهانی تا کی

هم ناظر مظلومی مایی و ز خصم

هم شاهد ظلم بی‌امانی تا کی

(۲۸)

﴿ در کاغذ نوشته طاعة معروفه ﴾

عبدالله ابن عجلان گفت:

خدمت حضرت صادق علیه السلام درباره قیام قائم علیه السلام سخن به میان

آوردیم، من عرض کردم:

چگونه ما می توانیم از آمدن او اطلاع حاصل کنیم؟

حضرت فرمودند:

صبح که یکی از شما از خواب بر می خیزد کاغذی را در زیر

سر خود می یابد که در آن نوشته است:

«طاعة مَعْرُوفَة»

یعنی: پیروی از قائم، کار معروف و خوبی است.

و از فضل ابن شاذان نقل شده که در پرچم مهدی علیه السلام

نوشته است:

«إِسْمَعُوا وَاطِيعُوا»

یعنی: سخنان مهدی علیهم السلام را بشنوید و از آن اطاعت کنید. (۱)

ای کاش خدا اذن فرج می دادت

می کرد از این اجازه بس دل شادت

گاهی که دعا کنی تو از بهر فرج

ما را نرود پیش خدا از یادت

(۲۹)

﴿ جبرئیل و اسرافیل پیشاپیش او راه می‌روند ﴾

حدیفه یمانی می‌گوید از پیامبر ﷺ شنیدم می‌فرمودند: در موقع آمدن قائم عجله گوینده‌ای از آسمان بانگ می‌زند: ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید ولی امر بهترین امت محمد ﷺ قیام کرده است، در مکه به او ملحق شوید: آنگاه نجباء از مصر و ابدال از شام و دستجات عراق که شبها را به عبادت مشغول و روزها همچون شیر می‌باشند و دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است می‌آیند و در بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.

شخصی پرسید: یا رسول الله! این مرد را برای ما توصیف و بیان کن.

حضرت فرمودند: او مردی از اولاد حسین علیه السلام، نامش نام من است و موقع ظهور او، پرندگان جوجه‌های خود را در آشیانه‌هایشان و ماهیان در دریاها «با کمال آزادی و دور از هر

گونه ترس و مزاحمت دشمن» تولید نسل می‌کنند و نهرها کشیده می‌شود و چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می‌رویانند و جبرئیل و اسرافیل پیشاپیش او راه می‌روند او زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. (۱)

صد شکر که مدّاح توام مهدی جان

صد حیف که از تو دورم ای جان جهان

ای بساعت آرامش قلبم بساز آی

ترسم که تو را ندیده بسپارم جان

(۳۰)

﴿ آن رکن دلیل بر وجود قائم علیه السلام است ﴾

شخصی می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم:
چرا خداوند حجرا لاسود را در رکنی که فعلاً در آن قرار دارد،
نهاد و در رکن دیگری قرار نداد؟
حضرت فرمودند:

خداوند، حجرا لاسود را که گوهری بهشتی بود، و برای آدم
آوردند، به واسطه پیمانی که از مردم گرفت در آن رکن گذاشته
شد، زیرا وقتی خداوند از اولاد آدم که در پشت های پدرانشان
بودند پیمان بندگی گرفت، در آن مکان بود، و در آنجا بود که
تمام بنی آدم یکدیگر را در صلبها دیدند، و هم از آنجا مرغ بر
قائم فرود می آید، و نخستین کسیکه با او بیعت می کند همان مرغ
است و به خدا قسم او جبرئیل می باشد و در همین مکان قائم علیه السلام
پشت خود را به آن تکیه می دهد، آن رکن حجّت و دلیل بر

وجود قائم علیه السلام است. (۱)

هر لحظه که گویمت ثنا مهدی جان

دل برکنم از دار فنا مهدی جان

ای جان جهان گوشه چشمی بر من

ای روح روان دگر بیا مهدی جان

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۲۹۹، ح ۶۳ / مهدی موعود: ص ۱۰۹۰ / نجم الثاقب: ص ۱۷۸.

(۳۱)

﴿ امام زمان علیه السلام با چه روشی میان مردم
حکومت می‌کند ﴾

در کتاب غیبت از عبدالله بن عطار روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: مهدی علیه السلام با چه روشی در میان مردم حکومت می‌کند؟

«فَقَالَ يَهْدِيهِمْ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ وَ يَسْتَأْنِفِ
الاسلامَ جَدِيداً».

حضرت فرمودند: آنچه از آثار بدعت و گمراهی قبل از وی بوده است منهدم می‌کند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله اساس جاهلیت را منهدم کرد آنگاه از نو اسلام را از سر می‌گیرد.^(۱)

قلبی ز غمت غرقه خون دارم من

سوزی ز فراق به درون دارم من

فرزانه صفت ز فرط عشقت جانان

رو جانب صحرای جنون دارم من

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۹۸ / مهدی موعود: ص ۱۱۲۳.

(۳۲)

﴿ حضرت مهدی علیه السلام اسلام را پیشنهاد می کند ﴾

از حضرت صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدم:

«وله اسلم من فی السموات والارض»

یعنی: هر کس در آسمان و زمین است تسلیم او می شوند.

حضرت فرمود:

این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده، هنگامیکه علیه یهود و نصارا و صابئین و مادی ها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می کند، و اسلام را پیشنهاد می نماید، هر کس از روی میل پذیرفت دستور می دهد که نماز بخواند و زکوة بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است بر او نیز واجب می کند و هر کس مسلمان نشد گردش را می زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یک نفر خدا شناس باقی نماند.

عرض کردم: قربانت کردم! در روی زمین مردم بسیار هستند چطور قائم علیه السلام می تواند همه آنها را مسلمان کند و یا گردن بزند؟

حضرت فرمودند:

هنگامیکه خداوند چیزی را اراده کند، چیز اندک را زیاد و
زیاد را کم می‌گرداند.^(۱)

آن دلبر رخساره نهران یار من است

آن مظهر لطف جاودان یار من است

آن دلبر پنهان و همان مظهر لطف

مهدی است که در طول زمان یار من است

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۴۰، ح ۹۰ / مهدی موعود: ص ۱۱۲۲ / نجم الثاقب: ص ۱۷۶.

(۳۳)

﴿ مالک اشتر و سلمان فارسی در ظهور حضرت ﴾

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هنگامیکه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام نمود، بیست و پنج نفر از قوم موسی که حکم به حق و عدالت می کردند، و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع نمایند، حضرت موسی علیه السلام و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی علیه السلام و ابودجانہ انصاری و مالک اشتر علیه الرحمه را از پشت کعبه «خانه خدا» بیرون می آورد. (۱)

یارب اگر از بار گنه سنگینم

زین بار گران اگر که بس غمگینم

اما تو به جان مهدی آن مصلح کل

مرگم نرسان تا که جمالش بینم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۴۶، ح ۹۲ / مهدی موعود: ص ۱۱۲۲ / نجم الثاقب:

ص ۱۵۷ / ارشاد مفید: ص ۳۶۱ / نشانه های ظهور او: ص ۱۳۴.

(۳۴)

﴿ گویا می بینم دین شما آغشته به خون است ﴾

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: گویا دین شما «اسلام» را می بینم که آغشته به خون می گردد «از بس دشمنان دانا و دوستان نادان، به آن ضربه می زنند» نمی بینم کسی آن را به حال اول برگرداند، مگر مردی از ما اهل بیت که در هر سال دو عطا و در هر ماه دو روزی می دهد، در زمان او چنان حکمت و علوم دین از طرف خداوند داده شود که زن در خانه اش مطابق کتاب «قرآن» و دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکم می کند.^(۱)

بازم بسرای دوست هوای تو فتاد

یادم دگر ای جان ز ولای تو فتاد

این مهر و محبت تو اندر دل من

بی شک ز عنایات خدای تو فتاد

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۶ / مهدی موعود: ص ۱۱۲۳.

(۳۵)

﴿ حضرت با مردم بی دین می جنگد ﴾

حسن ابن هارون می گوید:

من در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بودم معلی بن خنیس

از آن حضرت پرسید:

آیا هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کرد بر خلاف روش علی علیه السلام

حکومت می کند؟

حضرت فرمودند:

آری و آن بدینگونه است که علی علیه السلام با منت گذاشتن بر

اسیران و مردم و گذشت از آنها عمل می نمود، زیرا که می دانست

بعد از او سلاطین جور بر شیعیانش تسلط پیدا می کنند ولی قائم

علیه السلام با مردم «بی دین» می جنگد و آنها را اسیر می کند، زیرا او

می داند که بعد از او به هیچ وجه شیعیان مورد غلبه دشمن قرار

نمی گیرند و خطری متوجه آنها نیست. (۱)

آرام اگر زمین و هم ما فیها است

از یمن وجود تو امام والا است

این نکته به حق بود که لولا الحجه

بر اهل زمین ساخت الارض به جاست

(۳۶)

﴿ قسمتی از پیراهن قائم علیه السلام خون آلود است ﴾

حضرت صادق علیه السلام به یعقوب ابن شعیب فرمودند:
 نمی خواهی پیراهن قائم علیه السلام را که در آن قیام می کند به تو
 نشان دهم؟

عرض کردم: چرا می خواهم ببینم.
 حضرت دستور دادند جعبه ای آوردند و در آن را گشود و
 یک پیراهن کرباسی از میان آن بیرون آورد و آن را باز کرد،
 دیدم آستین چپ آن خون آلود است.

حضرت فرمودند: این پیراهن پیغمبر صلی الله علیه و آله است که در روزی
 که دندان مبارکش را شکستند به تن داشت، قائم هم در روز
 ظهورش این را به تن می کند.

من آن خون خشکیده را بوسیدم و آن را به صورت خود

مالیدم، سپس حضرت پیراهن را پیچیدند و برداشتند. (۱)

خون شد دل ما ز غیبت و دوری تو

جان شد ز کف از کثرت مستوری تو

گریان شده چشم و سینه‌ها هم سوزان

از داغ فراق تو و مهجوری تو

(۳۷)

﴿ دیگر دندانش نمی شکست ﴾

بشیر نبّال می گوید به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مخالفین ما می گویند وقتی مهدی علیه السلام قیام می کند بدون اینکه یک قطره خون بریزد امور سلطنت برای او فراهم می شود.

حضرت فرمودند: نه اینطور نیست، به خدائی که جان من در دست اوست اگر بدون خون ریزی امکان داشت این کار برای پیامبر روی می داد و دیگر دندانش نمی شکست و روی مبارکش مجروح نمی گشت به خدا قسم تا ما و شما شداثد و صدمات بسیار نبینیم و خونها ریخته نشود، دولت او قیام نمی گیرد.^(۱)
ما چشم امید از همه برداشته ایم

چون بذر ولای تو به دل کاشته ایم

خوش باد زمانی که به سرداری تو

بینیم لوای حق بر افراشته ایم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۵۸، ح ۱۲۳ / مهدی موعود: ص ۱۱۲۶.

(۳۸)

﴿ پرچم قائم عليه السلام همان پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ﴾
 ﴿ که از برگ درخت بهشت است ﴾

امام محمد باقر عليه السلام فرمودند:

خداوند بر خلاف وقتی که تعیین کنندگان وقت «ظهور امام زمان» معین کرده‌اند، عمل می‌کند!
 پرچم قائم عليه السلام همان پرچم رسول خدا است که جبرئیل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میدان جنگ به اهتزاز در آورد آنگاه جبرئیل عرض کرد:
 ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم به خدا قسم! این پرچم از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست.

عرض کردم: پس از چیست؟

گفت: برگ درخت بهشت است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را بر افراشت، سپس پیچید و به دست علی عليه السلام داد و پیوسته نزد آن حضرت بود تا اینکه در روز جنگ جمل حضرت آن را بر افراشته و خدا او را

پیروز گردانید، آنگاه علی علیه السلام آن را پیچید و همیشه نزد ما بود و هست و دیگر هیچ کس آن را نمی‌گشاید تا اینکه قائم ما قیام کند. وقتی قائم علیه السلام قیام نمود آنرا به اهتزاز در می‌آورد و هر کس در شرق و غرب عالم باشد آنرا می‌بیند، رعب و ترس وی یکماه زودتر از پیش روی و چپ و راست او رفته و در دلها جای می‌گیرد، آنگاه گفت:

ای محمد صلی الله علیه و آله او به خونخواهی پدرانش قیام می‌کند و سخت خشمگین است و از اینکه خداوند بر این خلق غضب نموده متأسف می‌باشد.

او پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله را که در جنگ احد پوشیده بود به تن دارد و عمامه و زره پیامبر صلی الله علیه و آله را که به قامت او رسا است می‌پوشد و ذوالفقار شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را هم در دست دارد، سپس شمشیر می‌کشد و هشت ماه از کشته بی‌دینان پشته‌ها می‌سازد او نخست از بنی شیبه شروع می‌کند، دست آنها را می‌برد و به کعبه می‌آویزد و منادی او اعلام می‌کند که اینان دزدان خانه خدا هستند آنگاه به قریش حمله می‌آورد، شمشیر آنها را می‌گیرد و با ضرب شمشیر سیرابشان می‌گرداند، او قیام نمی‌کند مگر بعد از آنکه دشمنانش دو فرمان بخوانند یکی در

بصره و دیگری در کوفه مبنی بر بیزاری از امیرالمؤمنین عليه السلام. (۱)

در غیبت جانگدازت ای مظهر جود

بس طعنه شنیدیم ز اغیار حسود

در ظلمت ظلم‌ها نبودیم اسیر

پنهان دگر آن طلعت ماه تو نبود

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۶۰، ح ۱۳۰ از کتاب غیبت نعمانی / مهدی موعود:

ص ۱۱۲۷ / نجم الثاقب: ص ۱۶۹.

(۳۹)

﴿ امام قائم علیه السلام با مردمی مواجه می شود ﴾

﴿ که بدتر از مردم زمان جاهلیت هستند ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامیکه قائم ما قیام می کند با مردم نادانی رو به رو می گردد
که در نفهمی از جاهلهای جاهلیت زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بدترند.

راوی می گوید:

عرض کردم: چطور؟

حضرت فرمودند: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث به «رسالت» شدند
مردم بتهایی از سنگ و چوبهای تراشیده را پرستش می کردند و
زمانی که قائم ما قیام می کند همه مردم کتاب خدا «قرآن» را به
میل خود تأویل نموده و به آن استدلال می کنند.

آنگاه حضرت فرمودند: آگاه باشید به خدا قسم عدل قائم علیه السلام
چندان گسترش می یابد و نافذ است که مانند سرما و گرما به داخل

خانه‌های مردم رسوخ می‌کند.^(۱)

ای مظهر رحمت و عطا و برکات

سرچشمه فیض و قبله گاه حاجات

ای حجت ثانی عشر ای مهدی جان

بسر طلعت زیبای تو دائم صلوات

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱ / مهدی موعود: ص ۱۱۲۸.

(۴۰)

﴿ هر یک از آنها از شیر دلیرتر ﴾

شیخ مفید علیه الرحمه در کتاب اختصاص از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: شیعیان در دولت قائم رؤسای روی زمین و حکمران آن می باشند به هر مردی از آنها قوت چهل مرد داده می شود. سپس فرمود: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: پیش از قیام قائم وحشت دشمنان در دل شیعیان ما جای می گیرد، وقتی قائم ما ظاهر گشت، و مهدی ما خروج کرد، هر یک از آنها از شیر دلیرتر و از نیزه چابک ترند به طوری که دشمن ما را زیر پاهای خود له می کنند و با کف دست به قتل می رسانند. (۱)

پیوسته رسد ز دشمن دیرینه

اندر حق ما بی تو جفا و کینه

از ما ز غم دوری خود مهدی جان

بنگر بدو چشم تر و سوز سینه

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۲، ح ۱۶۴ / مهدی موعود: ص ۱۱۳۳.

(۴۱)

﴿ در دولت حق تلافی آنرا خواهند کرد ﴾

ابوصالح کنانی گفت: من نزد حضرت صادق علیه السلام بودم که پیرمردی وارد شد و عرض کرد: فرزندم به من ظلم و ستم می‌کند. حضرت فرمودند: نمی‌دانی که حق و باطل هر کدام دولتی دارند و پیروان هر یک در دولت دیگری خوار است، هر کس در زمان دولت باطل به کسی آزاری وارد سازد در دولت حق تلافی آنرا از او خواهند گرفت.^(۱)

صد آه از این غصه و غم مهدی جان

کاندر همه عمر پرالم مهدی جان

روی تو ندیدم و سپردم جان را

ماند آرزوی تو در دلم مهدی جان

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۳ / مهدی موعود: ص ۱۱۳۱.

(۴۲)

﴿ عمر دنیا تمام نمی شود مگر...؟ ﴾

ابان ابن تغلب می گوید حضرت صادق علیه السلام می فرمود:
عمر دنیا تمام نمی شود مگر اینکه گوینده‌ای از آسمان صدا
می زند: ای پیروان حق جمع شوید! همه پیروان حق در یک
قسمتی از زمین گرد آیند، آنگاه بار دوم گوینده‌ای صدا می زند:
ای اهل باطل جمع شوید، پس همه پیروان باطل در یک سرزمین
اجتماع کنند.

من عرض کردم: اهل باطل می توانند داخل جبهه حق شوند و
بالعکس؟ فرمود:

نه به خدا چنانکه خداوند فرمود:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ
الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ». (۱)

خداوند نمی‌گذارد اهل ایمان داخل این ورطه شوند که شما
«بی‌دینان» در آن هستید تا آنکه بد از خوب تمیز داده شود.^(۱)

در عالم حسن چون تو زیبایی نیست
در محفل عشق چون تو رعنائی نیست
ای دوست به بازار محبت ما را
بر سر به جز از وصل تو سودایی نیست

(۴۳)

﴿ در دولت ما مخالفین دیگر فرصتی ﴾

﴿ برای دشمنی با ما ندارند ﴾

از ابوبصیر روایت شده که گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابو محمد گویا من فرود آمدن قائم علیه السلام را با کسان و بستگانش را در مسجد سهله می بینم.

عرض کردم: مسجد سهله اقامت گاه اوست؟

حضرت فرمودند: آری مسجد سهله جایگاه ادریس پیامبر و حضرت ابراهیم خلیل الرحمن بوده، خداوند هیچ پیامبر را مبعوث نکرد جز اینکه در این مسجد نماز گذارد و هم محل سکونت حضرت خضر علیه السلام در آن مسجد است.

عرض کردم: قربانت گردم! قائم علیه السلام همیشه در آنجا اقامت می کند؟

فرمود: آری. عرض کردم:

بعد از او چه کسی در آن سکونت می کند؟

حضرت فرمودند: هر کس که بعد از قائم علیه السلام خلیفه باشد.
 عرض کردم: با کافران ذمی چه می کند؟
 حضرت فرمودند: مانند پیامبر صلی الله علیه و آله با آنها صلح می کند و آنها
 نیز با کمال ذلت جزیه به او می دهند.

عرض کردم: اگر کسی با شما دشمنی ورزد چه می شود؟
 حضرت فرمودند: در دولت ما مخالفین ما دیگر فرصتی برای
 دشمنی با ما ندارند، زیرا در آن موقع خداوند ریختن خون آنها
 را برای ما حلال کرده است، امروز کشتن آنها بر ما و شما حرام
 است، پس کسی تو را مغرور نسازد وقتی قائم ما قیام کرد خداوند
 به وسیله او انتقام پیغمبرش و ما را از دشمنان ما می گیرد.^(۱)

زین بیش تو تنهایی یاران میسند
 در بند و اسیر ظلم و طغیان میسند
 ما را همه دل سوخته‌ای مهدی جان
 اینسان ز فراق و درد هجران میسند

(۴۴)

﴿ امام زمان علیه السلام گردن شیطان را می زند ﴾

اسحق ابن عمار می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: اینک خداوند به شیطان فرمود: منتظر وقت معلوم باشد «انک لمن المنظرین الی یوم الوقت المعلوم» این وقت معلوم کی خواهد بود؟

حضرت فرمودند:

روز قیام قائم ماست، وقتی خداوند او را برانگیخته می کند و آماده قیام است در مسجد کوفه است، در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می رود، به آنجا می آید و می گوید: ای وای از خطر امروز!

قائم علیه السلام پیشانی او (شیطان) را گرفته و گردنش را می زند آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می رسد. (۱)

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۶، ح ۱۷۸ / مهدی موعود: ص ۱۱۳۵ / نجم الثاقب:

ای کاش خورم ز نخل وصلت من بر
کن رنجه قدم غصه دل از من بر
بر کعبه حق تکیه بزن گاه ظهور
محراب نماز گیر و شو بر منبر

(۴۵)

﴿ سلاح‌هایی که از زیر خاک بیرون می‌آورند ﴾

امام صادق علیه السلام فرمود:

چون قائم قیام می‌کند با پای خویش به میدان کوفه می‌آید و با دست خود اشاره به موضعی می‌کند و می‌گوید اینجا را بکنید. به دستور او آنجا را می‌کنند و حفر می‌کنند دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود دو روی بیرون می‌آورد، آنگاه دوازده هزار نفر از غلامان و مردم عجم را می‌خواند و آن سلاح را به آنها می‌پوشاند و سپس خطاب به آنها می‌گوید:

کسانی که این لباس را پوشیده‌اند به قتل برسانید. ^(۱)

ای حجت ذات پاک یزدان مهدی

ای منتقم خون شهیدان مهدی

ای درد تمام دردمندان فراق

با وصل رخ ماه تو درمان مهدی

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۷، ح ۱۷۹ / مهدی موعود: ص ۱۱۳۶.

(۴۶)

﴿ اگر او آفتاب و ماه را به سوی خود بخواند ﴾
﴿ اجابت می‌کنند ﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم ما سیصد و نه سال سلطنت می‌کند به مدتی که اصحاب
کهف در غار خود توقف نمودند.
او زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه پر از ظلم و ستم
شده باشد.

خداوند شرق و غرب زمین را برای ما می‌گشاید او هم چندان
مردم بی‌دین را به قتل می‌رساند که جز دین محمد صلی الله علیه و آله نماند و به
روش حضرت سلیمان بن داود رفتار می‌نماید.

اگر آفتاب و ماه را به سوی خود بخواند اجابت می‌کنند و
زمین در زیر پایش پیچیده می‌شود «یعنی طی الارض خواهد

داشت» و از جانب خدا به او وحی می شود و او هم طبق دستور
خدا عمل می کند. (۱)

ما رهرو عشقیم و جز این ره نرویم

جز درگه تو به هیچ درگه نرویم

خواهیم که غیر آستان تو مدام

بر جانب درگهی بناگه نرویم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲ / مهدی موعود: ص ۱۱۴۱ / نجم الشاقب:

(۴۷)

﴿ آیا با حالت پیری ظهور می‌کند ﴾

امام صادق علیه السلام به شخصی که نامش مفضل بود فرمودند:
 ای مفضل! گویا «قائم علیه السلام» را می‌بینم که وارد شهر مکه شده
 و لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و عمامه زردی بر سر گذاشته است،
 و نعلین وصله شده پیامبر صلی الله علیه و آله را به پا کرده و عصای آن حضرت
 را به دست گرفته چند بز لاغر را جلو انداخته و بدین گونه به
 طرف خانه خدا می‌رود، بدون اینکه کسی او را بشناسد و به سنّ
 جوانی آشکار می‌گردد.

مفضل گفت:

آیا بصورت جوان بر می‌گردد یا با حالت پیری ظهور می‌کند؟
 حضرت فرمودند:

سبحان الله مگر از حالا کسی می‌داند؟

وقتی خدا فرمان ظهورش را صادر می‌کند هر طور او بخواهد

و بهر صورتی که او صلاح بداند ظاهر می شود. (۱)

تا که بر تن توان بود ما را

تا که بر جان امان بود ما را

وصف رخساره تو مهدی جان

ذکر و ورد زبان بود ما را

(۴۸)

﴿ دسته دسته از فرشتگان بر او فرود می آیند ﴾

مفضل می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آقا از کجا ظاهر می شود و چگونه آشکار می گردد؟
حضرت فرمودند:

ای مفضل او به تنهایی آشکار می گردد و تنها به طرف خانه خدا می آید و تنها داخل کعبه می شود و چون شب فرا رسد، همچنان تنها است، وقتی چشم‌ها به خواب رفت و شب کاملاً تاریک شد جبرئیل و میکائیل و دسته دسته از فرشتگان بر او فرود می آیند و در آن میان جبرئیل به او می گوید: ای آقای من هر چه بفرمائی پذیرفته می شود و فرمانت روا است.

حضرت هم دست بر رخسارش می کشد و می فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْثَقْنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَالَمِينَ».

یعنی: خدا را سپاس می گذارم که وعده‌اش درباره من راست

آمد و زمین را به ما واگذار کرد و هر جای بهشت را بخواهیم
منزل می‌کنیم چه نیکو است پاداش عمل کنندگان به فرمان
الهی! (۱)

باز آ که چو جان بگیری مت اندر بر

از نخل وصال روی تو چینم بر

رخساره عیان نما و برق بردار

زان طلعت ماه و غم این دل را بر

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۷ / مهدی موعود: ص ۱۱۵۲ / نشانه‌های ظهور او: ص ۱۵۰.

(۴۹)

﴿ امام حسین علیه السلام در ظهور امام زمان علیه السلام ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند: «قائم علیه السلام» بین رکن و مقام می ایستد و با صدای رسا می گوید: ای مردمی که به من نزدیک هستید، و ای کسانی که خداوند شما را پیش از ظهور من در روی زمین برای یاری من ذخیره کرده است برای اطاعت از من به سوی من بیایید! صدای او به این افراد می رسد و آنها در شرق و غرب عالم بعضی در محراب عبادت و گروهی خوابیده اند، و با این وصف با یک صدا که می شنوند و با یک چشم به هم زدن در بین رکن و مقام نزد او خواهند بود.

سپس خداوند به نور دستور می دهد که به صورت عمودی از زمین تا آسمان جلوه کند و هر کس ساکن زمین است، از آن نور استضاءه نماید و نور از میان خانه اش بر او بدرخشد و از این نور دلهای مؤمنین مسرور می گردد در حالیکه هنوز آنها نمی دانند که قائم ما اهل بیت ظهور کرده است ولی چون صبح شود همه در

برابر قائم علیه السلام خواهند بود و آنها سیصد و سیزده مرد به تعداد لشکر پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جنگ بدر هستند.

راوی می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آقا! آیا آن هفتاد و دو نفر که با امام حسین علیه السلام در کربلا شهید شدند هم با آنها ظهور می کنند؟

حضرت فرمودند: فقط اباعبدالله حسین ابن علی علیه السلام با دوازده هزار نفر شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در حالیکه حضرتش عمامه سیاه پوشیده است ظهور می کند. (۱)

پیوسته ز مهر در خیالت باشم

مبهوت از آن جاه و جلالت باشم

اندر سر راهت به امید دیدار

بنشسته و در قال و مقالت باشم

(۵۰)

﴿ اول کسی که دست امام را می بوسد ﴾

﴿ جبرئیل است ﴾

اول کسی که بعد از ظهور دست امام زمان علیه السلام را می بوسد جبرئیل علیه السلام است و سپس سایر فرشتگان و نجباء جن و بعد از آنها نقبا با وی متابعت می کنند، مردم در مکه فریاد می زنند و می گویند:

این مرد کیست و این جماعت که با او هستند چه کسانی هستند و این علامت که دیشب دیدیم نظیرش دیده نشده چیست؟ بعضی به بعضی می گویند:

این مرد همان صاحب بزها می باشد!

عده دیگر می گویند:

نگاه کنید ببینید کسی از همراهان او را می شناسید؟

مردم می گویند:

ما جز چهار نفر از مردم مکه و چهار نفر که از اهل مدینه

هستند و فلانی و فلانی می‌باشند هیچ کدام از آنها را
نمی‌شناسیم.^(۱)

تا مهر و محبت تو در دل دارم

اندر دو جهان دگر چه مشکل دارم

گر غوطه ورم دَرِ یم هجران فراق

با عشق تو رو جانب ساحل دارم

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۸ / مهدی موعود: ص ۱۱۵۴.

(۵۱)

﴿ فرشتگان به ترتیب دست او را می‌بوسند ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند:

موقعیکه آفتاب طلوع می‌کند گوینده‌ای از چشمه خورشید به زبان عربی فصیح صدا می‌زند که اهل آسمانها و زمین آنرا می‌شنوند، می‌گویند:

ای مردم عالم!

این مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است و او را به نام و کنیه جدهش پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواند و به پدرش امام حسن علیه السلام امام یازدهم تا حسین بن علی صلوات الله علیهم اجمعین نسبت می‌دهد آنگاه گوینده می‌گوید:

با او بیعت کنید که رستگار می‌شوید و مخالفت امر او ننمائید که گمراه خواهید شد، سپس به ترتیب فرشتگان و جن و خوبان دست او را می‌بوسند و می‌گویند شنیدیم و اطاعت می‌کنیم، هیچ

صاحب روحی در میان مخلوق خدا نمی ماند جز اینکه آن صدا
را می شنود. (۱)

در آینه حسن تجلی از تو است

در معركة عشق تولی از تو است

از شعله جان سوز فراق و هجران

بر این دل افسرده تسلی از تو است

(۵۲)

﴿ امام زمان علیه السلام کتابهای آسمانی را ﴾

﴿ تلاوت می‌کند ﴾

وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می‌کنند تکیه به خانه خدا می‌کند و می‌فرماید:

آگاه باشید ای اهل عالم هر کس می‌خواهد آدم و شیث را ببیند بداند که من همان آدم و شیث هستم.

هر کس می‌خواهد نوح و پسرش سام را ببیند بداند که من همان نوح و سام می‌باشم.

هر کس می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم.

هر کس می‌خواهد موسی و یوشع را ببیند بداند که من همان موسی و یوشع هستم.

هر کس می‌خواهد عیسی و شمعون را ببیند بداند که من همان عیسی و شمعون هستم.

هر کس می خواهد محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما را ببیند بداند که من همان محمد و علی هستم.
 هر کس می خواهد حسن و حسین علیهما السلام را ببیند بداند که من همان حسن و حسین می باشم.

هر کس می خواهد امامان فرزندان حسین علیه السلام را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار هستم، دعوت مرا بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه خواهید به شما اطلاع می دهم.
 هر کس کتابهای آسمانی و صحف الهی را خوانده است اینک از من می شنود.

آنگاه حضرت شروع می کنند به قرائت صحف که خداوند بر آدم و شیث علیه السلام نازل فرمود، پیروان آدم و شیث می گویند: به خدا قسم این صحف حقیقی آدم و شیث است، این مرد آنچه را ما از صحف آدم و شیث نمی دانستیم و بر ما پوشیده بود، و یا از آن حذف و یا تبدیل و تحریف شده بود، به ما یاد داد.

سپس حضرت، صحف نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور را می خواند پیروان تورات و انجیل و زبور می گویند: به خدا قسم این همان صحف حقیقی نوح و ابراهیم علیهما السلام است که چیزی از آن ساقط نشده و تبدیل و تحریف نگردیده.

به خدا قسم! تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل همین

است و این بیش از کتابهایی است که آنرا خوانده‌ایم سپس، حضرت قرآن می‌خوانند مسلمانان می‌گویند: به خدا قسم! این همان قرآن حقیقی است که خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرده، چیزی از آن کم نشده و تحریف و تبدیل نگردیده است.^(۱)

سرمست ز باده خیالیم هنوز

با یاد تو در قال و مقالیم هنوز

هر چند خبر نیامد از گاه ظهور

ما لیک به امید وصالیم هنوز

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۹ / مهدی موعود: ص ۱۱۵۵ / نشانه‌های ظهور او: ص ۱۶۹.

(۵۳)

﴿ در ظهور حضرت فرشتگان و جن ﴾
 ﴿ آشکار می شوند ﴾

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد:

آیا جن و فرشتگان برای بشر آشکار می گردند؟

حضرت فرمودند:

آری به خدا آشکار می شوند و با آنها مانند یک نفر انسان که با بستگان خود سخن می گوید سخن می گویند.

از حضرت صادق علیه السلام پرسیده شد:

آیا فرشتگان و طایفه جن همه جا همراه قائم علیه السلام می روند؟

حضرت فرمودند: آری والله.

آنها در روی زمین در کوفه و نجف می آیند و عدد یاران حضرت در آن موقع چهل و شش هزار فرشته و شش هزار جن است «در روایت دیگر حضرت فرمودند: و چهل و شش هزار هم

از جن « خداوند قائم عليه السلام را پیروز می گرداند. (۱)

ای آنکه مُعزّ اولیاء خوانند

وی آنکه مُذَلّ اشقیاء دانند

بنمای قمر طلعت خود بر احباب

کز هجر تو هر صبح و مساء نالانند

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۰ / مهدی موعود: ص ۱۱۵۷ / نجم الثاقب: ص ۱۵۲.

(۵۴)

﴿ مسجد کوفه را نیز خراب می کند ﴾

مفضل می گوید:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

امام زمان علیه السلام وقتی ظاهر می شود با خانه خدا چه می کند؟

حضرت فرمودند:

آن را می شکنند و بر همان پایه‌ای که روز اول در عهد حضرت آدم برای مردم بنا شده و ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام بالا برده بودند، بر پای می دارد.

و آنچه که بعد از آن در مسجد الحرام تعمیر شده که پیغمبری و جانشین پیغمبری آن را نساخته است، آنطور که خدا می خواهد آنرا می سازد و هر آثاری که در مکه و مدینه و عراق و سایر جاها از ستمگران باقی مانده باشد همه را ویران می کند.

مسجد کوفه را نیز خراب می کند و بر اساس اول آن بنا می کند

و هم چنین قصر عتیق را نیز ویران می‌کند، خدا لعنت کند سازنده
آن را، خدا لعنت کند او را.^(۱)

ای حجة حق مظهر ایمان الغوث

وی مهدی دین حامی قرآن الغوث

شد منتظران را همه جانها بر لب

از هجر تو ای خسرو خوبان الغوث

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۱ / مهدی موعود: ص ۱۱۵۸.

(۵۵)

﴿ اهل مکه نایب امام را می‌کشند ﴾

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید آیا قائم علیه السلام در مکه اقامت می‌کند؟

حضرت فرمودند: نه! بلکه نایب خود را در آنجا می‌گذارد، ولی چون اهل مکه دیدند قائم علیه السلام از میان آنها رفته است، هجوم می‌آورند و نایب او را می‌کشند، قائم علیه السلام به سوی آنها بر می‌گردد و آنها به طور سر شکسته و ذلیل و گریه کنان نزد او می‌آیند و التماس می‌کنند و می‌گویند: ای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله! توبه کردیم، قائم علیه السلام آنها را موعظه می‌کند و از غضب خدا می‌ترساند و شخصی از اهل مکه را به نیابت خود انتخاب می‌کند و از مکه خارج می‌شود.

این بار نیز اهل مکه هجوم می‌آورند و نایب او را می‌کشند، قائم علیه السلام هم یاوران خود از طایفه جن را به سوی مکه فرستاده و سفارش می‌کند که جز افراد با ایمان یک نفر از آنها را باقی

نگذارید. اگر به ملاحظه رحمت پروردگار نبود که همه اشیاء را گرفته و مظهر رحمتش نیز من می‌باشم، خودم با شما بسوی آنها باز می‌گشتم زیرا بکلی از خداوند و من فاصله گرفته و هر گونه پیوندی را قطع کرده‌اند، لشکر مهدی علیه السلام هم بسوی اهل مکه باز می‌گردند، به خدا قسم از هر صد نفر آنها بلکه از هر هزار نفر آنان یک نفر را باقی نمی‌گذارند.^(۱)

اندر ره مهدی ز سر و جان بگذشتیم
از جان گران در ره جانان بگذشتیم
تا بر سر کوش سر و سامان بگرفتیم
دیوانه صفت از سر و سامان بگذشتیم

(۵۶)

﴿ در آن روز کربلا محل آمد و شد ﴾
 ﴿ ملائکه می شود ﴾

از امام صادق علیه السلام پرسیدند خانه مهدی علیه السلام در کجا خواهد بود
 و مؤمنین در کجا جمع می شوند؟
 حضرت فرمودند: مقر سلطنت او شهر کوفه است و محل
 سکونتش مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنیمت‌ها
 مسجد سهله است.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا همه اهل ایمان در کوفه
 خواهند بود؟

حضرت فرمودند: آری والله در آن روز تمام مؤمنین یا در
 کوفه و یا در حوالی کوفه می باشند زمین آن به مساحت
 جولانگاه اسبی به دو هزار درهم می رسد، اکثر مردم آرزو
 می کنند که ای کاش می توانستند یک وجب زمین «سبع» را به

یک و جب شمش طلا بخرند و «سبع» از مضافات همدان^(۱) است. در آن روز طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل می رسد به طوریکه کاخهای آن مجاور کربلا است، خداوند در آنروز کربلا را محل آمد و رفت فرشتگان و مؤمنین خواهد نمود و آن روز ارزشی به سزا دارد، چنان برکت به آن روی می آورد که اگر مؤمنی از روی حقیقت در آنجا بایستد و یک دفعه از خداوند طلب روزی کند، خداوند هزار برابر دنیا به او عطا می فرماید.^(۲)

پشتم ز غم هجر تو خم گردیده

بر دیده ز خاک قدمت گردیده

گریم همه دم چه بیم از آنکه سفید

گردد ز فراق تو مرا گردیده

۱ - همدان غیر از همدان ایران است، همدان قبیله ای از یمن بودند که در خلافت امیرمؤمنان در حوالی کوفه سکونت داشتند و مردم آن در محبت علی علیه السلام و سابقه تشیع و فداکاری در راه آن حضرت و فرزندان او مشهور بودند.

۲ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۱ / مهدی موعود: ص ۱۱۵۸.

(۵۷)

﴿ کربلا تا موقع ظهور خیر و برکت زیادی ﴾
 ﴿ برای شیعیان دارد ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند:

تمام اماکن روی زمین بر یکدیگر فخر می کردند، از جمله کعبه در مسجدالحرام بر زمین کربلا فخر نمود، خداوند وحی فرستاد که ای کعبه ساکت باش! و بر کربلا فخر مکن!

زیرا کربلا بقعه مبارکی است که در آنجا از جانب خداوند بوسیله درخت به موسی بن عمران وحی شد و همان «تلی بلندی» است که مریم و عیسی علیه السلام منزل کردند، و محلی است که سر حسین علیه السلام را در آن شستشو دادند و مریم عیسی علیه السلام را شست و خودش هم بعد از ولادت غسل کرد. کربلا بهترین سرزمینهاست. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غیبتش از آنجا به آسمان بالا رفت و آنجا

تا موقع ظهور قائم علیه السلام خیر و برکت زیادی برای شیعیان دارد.^(۱)

دیشب که شب دوازده بود از ماه

دیدم قمر و بگفتمش بی اکراه

آن ماه دوازده که مهدی است بود

نور رخ وی چو کوه و نور تو چو کاه

(۵۸)

﴿ قضیه به آتش زدن آن دو نفر و عذاب آنها ﴾

﴿ در قیامت ﴾

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: آقا مهدی علیه السلام سپس به کجا می رود؟

حضرت فرمودند: مدینه جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله می رود وقتی به مدینه آمد مقامی بس عجیب خواهد داشت که باعث سرور و خوشحالی مؤمنین و ندمت کفار می باشد.

مفضل گفت: آقا! آن مقام عجیب چیست؟

حضرت فرمودند: کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می آید و صدا می زند: ای مردم! آیا این قبر جدّ من است؟

مردم می گویند: ای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله آری این قبر پیغمبر جدّ تو است.

حضرت می پرسند: چه کسانی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا مدفون هستند. می گویند: دو نفر از اصحاب و انیس او.

با اینکه او از هر کس بهتر آن دو نفر را می‌شناسد، در حالیکه مردم همه گوش می‌دهند.

حضرت سؤال می‌کنند: آنها کیانند؟ چطور شد که در میان تمام مردم فقط این دو نفر با جدّ من پیامبر صلی الله علیه و آله در اینجا دفن شدند، شاید کسانی دیگر مدفون باشند.

مردم می‌گویند: ای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله کسی غیر از این دو نفر در اینجا مدفون نیست از این جهت در اینجا دفن شدند که خلیفه پیغمبر صلی الله علیه و آله و پدر زن او هستند.

مهدی علیه السلام سه بار این سؤال را تکرار می‌کند، سپس دستور می‌دهد که آن دو نفر را از قبر بیرون بیاورند، مردم هم آنها را بیرون می‌آورند، در حالیکه بدنشان تر و تازه است و اصلاً نپوسیده و تغییر نکرده‌اند.

سپس حضرت می‌پرسد: آیا کسی در میان شما هست که اینان را بشناسد؟

مردم می‌گویند: ما آنها را به اوصافشان می‌شناسیم، اینان انیس جدّ شما هستند. حضرت می‌پرسد: آیا در میان شما کسی هست که جز این بگوید یا درباره اینان شک کند؟
مردم می‌گویند: نه!

حضرت سه روز بیرون آوردن آنها را به تأخیر می‌اندازد و این خبر در میان مردم منتشر می‌شود. سپس حضرت به آنجا می‌آیند

و روی قبرهای آنها را بر می دارد و به نقبای خود می فرماید: قبرهای اینان را بشکافید و آنها را جستجو کنید، نقبا هم با دست های خود آنها را جستجو می کنند تا آنکه تر و تازه مانند روز اول دفن بیرون می آورند، حضرت دستور می دهند کفن های آنها را بیرون آورند و بر درخت پوسیده و خشکی بر دار می کشند در همان وقت درخت پوسیده سر سبز و پر شاخ و برگ و خرم می شود.

با مشاهده این وضع عجیب دوست داران آنها می گویند: به خدا قسم این شرافت حقیقی است که اینها دارند و ما هم به دوستی اینان فائز و رستگار شدیم هر کس جزئی محبتی از آنها در دل داشته باشد می آید و آن منظره را می نگرد و با دیدن آن فریفته می گردد در این هنگام منادی مهدی علیه السلام صدا می زند: هر کس دو صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله و انیس او را دوست می دارد یک طرف بایستد، مردم دو دسته می شوند: یک دسته دوست آنها و دسته ای دشمن آنان.

حضرت به دوستان آن دو نفر دستور می دهد که از آنها بیزاری جویند، آنها می گویند ای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله ما پیش از آنکه بدانیم اینان در نزد خداوند تو چنین مقامی دارند از آنها بیزاری نجستیم، اکنون که فضل و مقام آنها برای ما ظاهر شده، چگونه با دیدن بدن تر و تازه آنها و سبز شدن درخت پوسیده از

آنان بیزاری بجوئیم؟ بلکه به خدا قسم ما از تو و کسانی که عقیده به تو دارند و آنها که به اینان ایمان ندارند و آنها را بر دار زدند، و از قبر بیرون آوردند، بیزاری می جوئیم!

در این وقت مهدی علیه السلام به امر خداوند دستور می دهد باد سیاهی بر آنها بوزد و آنان را مانند ریشه های پوسیده درخت نخل از میان می برد.

سپس حضرت دستور می دهند آنها را از بالای دار پائین بیاورند، و به امر خداوند زنده می گرداند و دستور می دهد تمام مردم جمع شوند، آنگاه اعمال آنها را در هر دوره ای شرح می دهد، تا آنکه داستان کشته شدن هابیل فرزند آدم و برافروختن آتش برای ابراهیم و انداختن یوسف در چاه و زندانی شدن یونس در شکم ماهی و کشتن یحیی پیامبر و دار کشیدن عیسی علیه السلام و شکنجه دادن جرجیس و دانیال پیغمبر و زدن سلمان فارسی و آتش زدن در خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام و تازیانه زدن به بازوی صدیقه کبری فاطمه زهرا و در به پهلوی او زدن و سقط شدن محسن بچه او و سم دادن به امام حسن و کشتن امام حسین و اطفال و عمو زادگان و یاوران آن حضرت و اسیر کردن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و ریختن خون آل محمد صلی الله علیه و آله و هر خونی که به ناحق ریخته شده و هر زنی که مورد تجاوز قرار گرفته و هر خیانت و اعمال زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم تا موقع قیام قائم علیه السلام از بنی آدم سرزده همه و

همه را بگردن اولی و دومی انداخته و بر آنها ثابت نموده و ملزم می‌گرداند و آنها هم اعتراف می‌کنند.

آنگاه حضرت دستور می‌دهند هر کس حاضر است و از آنها ظلمی دیده قصاص کند آنها هم قصاص می‌کنند، سپس آنها را دوباره بر همان درخت به دار می‌کشد و امر می‌کند آتشی از زمین بیرون آید و آنها را با درخت می‌سوزاند آنگاه به باد دستور می‌دهد تا خاکسترشان را به آب دریاها پاشد.

مفضل فرمودند: آقا این عذاب آخر آنهاست؟

حضرت فرمودند: نه! نه! ای مفضل به خدا قسم فردای قیامت هر مؤمن و کافری به صحرای محشر می‌آیند و آقای بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله و صدیق اکبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه اطهار علیهم السلام نیز حاضر می‌شوند و همه آنها از آن دو نفر قصاص می‌کنند تا جائیکه آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار می‌کشند و باز به امر خداوند به صورت اول بر می‌گردند تا باز عذاب شوند. (۱)

به آستان تو از ما سلام مهدی جان

فدای جان تو جانها تمام مهدی جان

جمال همچو مهات را بده نشان آنی

بما تو ای گل والا مقام مهدی جان

(۵۹)

﴿ خروج سید حسنی ﴾

در زمان ظهور حضرت ﷺ سید حسنی آن جوان زیبا از طرف سرزمین دیلم خروج کرده و با صدای رسا صدا می‌زند: ای آل محمد ﷺ دعوت آنکس را که از غیبتش متأسف بودید اجابت کنید این صدا از ناحیه ضریح پیامبر ﷺ بلند می‌شود پس گنجهای خدا از طالقان ظاهر می‌شوند آنها گنجهایی هستند اما چه گنجی که نه طلا و نه نقره است بلکه مردانی هستند که ایمان فولادین دارند و بر اسبهای چابک سوار و اسلحه به دست گرفته و پی در پی ستمگران را کشته تا آنکه وارد کوفه می‌شوند و آن موقع اکثر روی زمین را از لوٹ وجود بی‌دینان صاف کرده‌اند، آنها کوفه را محل اقامت خود قرار می‌دهند.

چون خبر ظهور مهدی ﷺ به سید حسنی و یارانش می‌رسد، یارانش به او می‌گویند ای پسر پیغمبر ﷺ! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟ سید حسنی می‌گوید: با من بیائید تا ببینیم او کیست

و چه می خواهد، به خدا قسم سید حسنی می داند که او مهدی است و او را می شناسد ولی برای این می گوید که به اصحابش و یارانش بشناساند که او کیست.^(۱)

صبا به حضرت مهدی سلام ما برسان

بگوز جانب ما که ای امیر عصر و زمان

ز دوستان خود اینسان دگر دریغ مدار

یکی نظر بنما لحظه ای به منتظران

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۵ / مهدی موعود: ص ۱۱۶۳.

(۶۰)

﴿ ملاقات سید حسنی و حضرت مهدی علیه السلام ﴾
 ﴿ و نشان دادن علائم ﴾

زمانیکه سید حسنی حضرت مهدی علیه السلام را ملاقات می‌کند از حضرت می‌پرسد: اگر شما مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله هستید عصای جدت پیغمبر صلی الله علیه و آله و انگشتر و پیراهن و زره‌اش موسوم به «فاضل» و عمامه مبارکش بنام «سحاب» و اسبش «یربوع» و «غضباء» شترش و «دلدل» قاطرش و «یعقور» الاغ آن سرور و اسب اصیلش «براق» و قرآنی که امیرالمؤمنین علیه السلام جمع آوری کرده کجاست.

حضرت مهدی علیه السلام تمام اینها را بیرون می‌آورد و به سید حسنی نشان می‌دهد آنگاه عصای پیغمبر صلی الله علیه و آله را گرفته و به سنگ سختی می‌زند ناگهان سنگ مانند درخت سبز می‌شود، و شاخ و برگ در می‌آورد و مقصود سید حسنی این است که بزرگواری حضرت مهدی علیه السلام را به یارانش نشان دهد تا حاضر

شوند با او بیعت کنند، آنگاه صدای الله اکبر سید حسنی بلند می‌شود و صدا می‌زند: ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله دست مبارکت را بده تا با شما بیعت کنیم، حضرت مهدی علیه السلام دستش را دراز می‌کند و سید حسنی نخست خود و سپس سایر لشکریانش با وی بیعت می‌کنند مگر چهل هزار نفر که قرآن‌ها با خود دارند و معروف به «زیدیّه» می‌باشند که از بیعت کردن امتناع می‌ورزند. آنها می‌گویند این کار چیزی جز یک سحر بزرگ نیست و با این حرف دو لشکر به جان هم می‌افتند و حضرت مهدی علیه السلام به طرف طایفه زیدیّه آمده و سه روز آنها را موعظه می‌نماید و دعوت به آرامش و پذیرش خودش می‌کند ولی آنها بر سرکشی و کفر خود می‌افزایند، حضرت مهدی علیه السلام هم ناچار دستور قتل آنها را صادر نمود، همه را از دم شمشیر می‌گذرانند، سپس حضرت مهدی علیه السلام به اصحاب خود می‌فرماید: قرآن‌های آنها را نگیرید و بگذارید تا باعث حسرت آنها شود، همانطور که آنرا تبدیل کرده و تغیر دادند و مطابق آنچه در آن بود عمل نکردند. (۱)

۱ - نجم الثاقب: ص ۱۲۵ / بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۵ / مهدی موعود: ص ۱۱۶۴ /

زمینه سازان جهانی مهدی علیه السلام: ص ۵۸۱.

شمس و قمر از روی تو گردیده منور
بر جاز وجود تو بود ارض مدور
کن رنجه قدم چهره نما جلوه گری کن
ای مهدی دین حجّت حق میر مظفر

(۶۱)

﴿ چه داستان زیبایی ﴾

از حضرت صادق علیه السلام پرسیده شد: بعداً حضرت مهدی علیه السلام چه می کند؟

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: لشکری برای دستگیری سفیانی به دمشق می فرستد او را گرفته و روی سنگی سر از بدن جدا می کنند آنگاه امام حسین علیه السلام با دوازده هزار صدیق و هفتاد و دو نفری که در کربلا از یاران او بودند و با وی شهید شدند آشکار می شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ای خوش آن رجعت نوری، سپس صدیق اکبر امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام ظهور می کند و خیمه ای که بر چهار پایه استوار باشد در نجف برای وی درست می کنند که یک پایه آن در نجف و پایه ای در حجر اسماعیل و پایه ای در صفا و پایه ای در زمین مدینه است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: گویا چراغهای آن را می بینم که مانند

انوار مهر و ماه در آسمان و زمین می‌درخشد، در آن موقع باطن هر کس آشکار می‌شود و زنان شیرده از وحشت بچه‌های خود را رها می‌کنند، آنگاه آقای بزرگ محمد رسول خدا ﷺ با یاران و مهاجرین و آنها که به او ایمان آوردند و نبوت او را تصدیق کردند و در رکاب او شهید شدند، ظهور می‌کنند.^(۱)

ای بساعت آرامش گیتی مهدی

وی موجب پیدایش گیتی مهدی

بی روی تو هرگز نشوم برخوردار

یک لحظه ز آسایش گیتی مهدی

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶ / مهدی موعود: ص ۱۱۶۵.

(۶۲)

﴿ ظهور رسول خدا صلی الله علیه و آله ﴾

با ظهور رسول خدا صلی الله علیه و آله کسانی که دعوت آن حضرت را تکذیب کردند و درباره پیغمبرش شک نمودند و اعتنا به گفتار او نکردند و کسانی که گفتند او ساحر و کاهن و دیوانه است و از روی هوای نفس سخن گفتند و آنها که با او جنگ کردند حاضر می‌کنند تا از روی حق و عدالت انتقام اعمالی را که از بعثت آن حضرت تا موقع ظهور مهدی علیه السلام با هر امامی و در هر وقتی از اوقات مرتکب شده‌اند از آنها بگیرد، این است تأویل حقیقی آیه شریفه:

«و نریدُ أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانو یحذرون»^(۱).

یعنی: اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم؟ و حکومتشان را پا بر جا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشته از این گروه نشان دهیم.

از امام پرسیدند: فرعون و هامان در آن وقت کیستند؟
حضرت فرمودند: اولی و دومی است.^(۱)

ای قامت بلند تو نخل امید من

ای ساحت وجود تو نقش نوید من

ای جلوه جمال تو خورشید عدل و داد

سرو قد تو طالع پاک و سعید من

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۶ / مهدی موعود: ص ۱۱۶۶.

(۶۳)

﴿ پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام با قائم علیه السلام هستند ﴾

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام با قائم علیه السلام خواهند بود؟

حضرت فرمودند: آری والله پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ناگزیر می باید قدم روی زمین بگذارند.

آری به خدا آنها همه جا، حتی به پشت کوه قاف و ظلمات و قعر دریاها هم می روند تا آنجا که جایی نمی ماند جز اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می روند و آثار واجب دین خدا را در آنجا بر پا می دارند.^(۱)

جان می دهم اندر رهت ای جان جهان

سر می فکنم بر قدمت مهدی جان

دردا که نهانی ز دو چشمان ترم

می سوزم و از دو دیده باشم گریان

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷ / مهدی موعود: ص ۱۱۶۶.

(۶۴)

﴿ همه امامان با پیامبر ﷺ هستند و هر کدام ﴾
 ﴿ به پیامبر از امت خود شکایت می‌کنند ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند: گویا می‌بینم که ما ائمه آن موقع جلو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمع شده و به آن حضرت شکایت می‌کنیم که امت بعد از او چه به روز ما آوردند، و می‌گوئیم امت ما را تکذیب کردند و بی‌اعتنائی و نفرین و لعنت و تهدید به قتل نمودند، و ایان ستمگر آنها ما را از وطن بیرون آوردند و به پایتخت خود بردند و گروهی از ما را با سم و زندان کشتند، در این وقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخت گریه می‌کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: ای فرزندان من! هر چه به شما رسید بیشتر به جدّ شما رسید. (۱)

تا در پناه مصحف و در دین احمدیم

بر جمله خلائق عالم سر آمدیم

زیر لوای آل علی صف کشیده‌ام

چشم انتظار مهدی آل محمدیم صلی الله علیه و آله و سلم

(۶۵)

﴿ شکایت حضرت زهرا در زمان ظهور ﴾

در ظهور رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام می آید و از ظلم اولی و دومی و غصب فدک توسط آنها و رفتن به میان مهاجرین و انصار و ابرار خطبه‌اش در خصوص غصب فدک، و جوابی که خلیفه در ردّ او گفت که پیغمبران ارث نمی‌گذارند و استدلال زهرا علیها السلام بگفته زکریا و یحیی و داستان داود و سلیمان و اینکه دومی به او گفت آن طوماری را که پدرت برای تو نوشت به من نشان بده و او در آورد و نشان داد و او آنرا گرفته پیش روی قریش و مهاجرین و انصار و سایرین پاره کرد و گریه کردن زهرا علیها السلام و برگشتن به طرف قبر پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالیکه می‌گریست و محزون بود و به خداوند و پدرش پیامبر صلی الله علیه و آله پناه آورد، سپس داستان اولی را نقل می‌کند که چگونه خالد بن ولید و قنفذ و عمر و جمعی را فرستاد تا امیرالمؤمنین علیه السلام را از خانه خود برای بیعت گرفتن در سقیفه بنی ساعده ببرند و امیرالمؤمنین

بعد از آن حضرت مشغول جمع آوری قرآن گردید و قرض حضرتش را که هشتاد هزار درهم بود، با فروش دارائی خود، همه آنها را پرداخت.

و هم نقل می‌کند که چگونه عمر گفت یا علی بیرون بیا و در آنچه مسلمانان شرکت کرده‌اند تو نیز شرکت کن و گرنه گردنت را می‌زنم، فضه گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام مشغول کاری است که اگر انصاف داشته باشید، خواهید دانست که او از آمدن معذور است، ولی آنها گوش ندادند و هیزم آوردند تا درب خانه‌ای را که امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و زینب و ام کلثوم علیها السلام و فضه در آن بودند آتش بزنند و بالاخره آن در را هم آتش زدند، فاطمه علیها السلام آمد پشت در و از همانجا صدا زد: ای عمر وای بر تو چگونه بر خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله جسارت ورزیدی که با این کار می‌خواهی نسل پیغمبر را از روی زمین براندازی و او را از میان ببری و نور خدا را خاموش کنی، با اینکه خدا نمی‌گذارد که نورش خاموش شود. (۱)

خدای عزّ و جل غمگسار فاطمه بود
 که شوهری چو علی در کنار فاطمه بود
 شبانه غسل بدو داد و کفن و دفنش کرد
 همان کسی که دلش بی قرار فاطمه بود
 بنور دیده خود شد رسول حق ملحق
 بباغ خلد که در انتظار فاطمه بود
 چو لاله‌ای که فروزان بود به صحن چمن
 دل حسین و حسن داغدار فاطمه بود^(۱)

(۶۶)

﴿ دختر پیامبر ﷺ غش کرد، علی علیه السلام عبا روی او ﴾
 ﴿ انداخت و به سینه چسباند ﴾

ادامه داستان قبل و جسارت‌های عمر:

عمر گفت: ای فاطمه الان نه محمد ﷺ حاضر است و نه فرشتگان امر و نهی و ترساندن از جانب خدا می آیند، و علی علیه السلام هم مانند یک نفر از مسلمین است اگر می خواهی بگو بیرون بیاید و با ابوبکر بیعت کند و گرنه همه شما را آتش می زنم، فاطمه علیها السلام در حالیکه می گریست گفت: پروردگارا! شکایت فقدان پیامبر ﷺ و برگزیده‌ات و مرتد شدن امت و ممانعتی را که از رسیدن حقی که تو در کتاب خود برای ما قرار داده‌ای به عمل آوردند، به تو می کنم.

عمر گفت: ای فاطمه این حرف‌های زنانه را کنار بگذار، خدا، نبوت و خلافت را یکجا برای شما جمع نمی کند، سپس همیزم را آتش زد و قنفذ ملعون دستش را داخل نمود تا در را بگشاید و

عمر با تازیانه به بازوی فاطمه علیها السلام زد به طوری که بازویش همچون بازوبند سیاهی ورم کرد، و طوری با پا به در نیم سوخته زد که به شکم دختر پیامبر صلی الله علیه و آله خورد و او که حامله بود محسن شش ماهه خود را سقط کرد عمر و قنفذ و خالد بن ولید هجوم آوردند به داخل خانه، فاطمه علیها السلام با صدای بلند گریه می کرد و می گفت: ای پدر! ای پیغمبر خدا! دخترت را دروغگو می دانند و می زنند! و بچه اش را کشتند!! سپس امیرالمؤمنین علیه السلام در حالیکه چشمش از شدت غضب سرخ شده بود از داخل خانه بیرون آمد و عبايش را در آورد و روی فاطمه علیها السلام که غش کرده بود انداخت و او را به سینه چسبانید. (۱)

سینه اش بوسید، پیغمبر که مینوی من است
 فاطمه هم فکر و هم سیما و هم خوی من است
 یاد از بشکستن پهلوی او چون کرد گفت
 بضعة من روح مابین دو پهلوی من است (۲)

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹ / مهدی موعود: ص ۱۱۶۸.

۲ - شعرا: حسان.

(۶۷)

﴿ این بچه نزد جدش می‌رود و به او ﴾
 ﴿ شکایت می‌کند ﴾

وقتیکه دختر پیامبر ﷺ روی زمین افتاد علی ﷺ عبا روی او انداخت و او را به سینه چسبانید و فرمود: ای دختر پیامبر خدا ﷺ! می‌دانی که خداوند پدر بزرگوارت را برای هدایت جهانیان برانگیخت، مبادا مقنعه خود را از سر برداری و نفرین کنی. ای فاطمه به خدا قسم اگر چنین کنی یک نفر در روی زمین نمی‌ماند که بگوید محمد ﷺ موسی و عیسی و ابراهیم و نوح و آدم ﷺ پیغمبر خدا است هر جنبنده‌ای که در روی زمین است و هر پرنده‌ای که در آسمان است خداوند آنرا نابود می‌کند.

آنگاه حضرت ﷺ به عمر فرمود: ای پسر خطاب وای بر تو از این کار که امروز نمودی و از عواقب آن، از خانه من بیرون برو پیش از آنکه شمشیرم را از نیام بیرون کشم و امت جفا جوی را بکشم.

عمر هم با خالد بن ولید و قنفذ و عبدالرحمن بن ابی بیرون رفتند.

امیرمؤمنان فضّه را صدا زد و فرمود: ای فضّه بانوی خود زهرا را دریاب که دچار درد زائیدن شده است، چون فضّه به کار آن بانو پرداخت، بچه‌ای که پیش از ولادت او را محسن گذارده بودند سقط گردید، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این بچه نزد جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌رود و به او شکایت می‌کند.^(۱)

زهرا که از او دین خدا شد محکم

بسیار ز امت پدر دید ستم

با سقط جنین او به عالم گردید

یک ثلث ز سادات بنی فاطمه کم^(۲)

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹ / مهدی موعود: ص ۱۱۶۸.

۲ - شعرا: خسرو خراسانی.

(۶۸)

﴿ یا رسول الله من متحمل رنجها شدم ﴾

﴿ ولی صبر نمودم ﴾

در زمان ظهور رسول خدا ﷺ امیرالمؤمنان علیه السلام محنت‌های عظیمی را که بعد از پیغمبر ﷺ دید و با آن امتحان خود را داد به آن حضرت شکایت می‌کند و می‌گوید: یا رسول الله داستان من مانند داستان هارون است: هارون به موسی گفت: ای فرزند مادرم مردم مرا تنها گذاشتند و نزدیک بود مرا بکشند پس تو کاری نکن که دشمن به من سرزنش کند و مرا با مردم ظالم قرار مده. (۱)

من هم صبر کردم و تسلیم حوادث شدم و راضی به رضای خدا گشتم و با مخالفتی که با من نمودند و نقض عهد خود که با آنها درباره من معاهده نمودی حجّت بر آنها تمام گشت.

یا رسول الله من متحمل رنجها و گرفتاریهای شدم که هیچ
جانشین پیامبری و هیچ امتی متحمل نگشت تا جایی که با ضربت
عبدالرحمن بن ملجم مرا به قتل رساندند و خداوند شاهد به
چگونگی نقض بیعت من است.

یا رسول الله آنچه در جنگهای شما و جنگهای بعد از شما
دیدم از جنگ جمل بر من دشوارتر نبود زیرا آن جنگ از
سختترین و هولانگیزترین و بزرگترین جنگهای بود که من
دیدم صبر کردم. طلحه و زبیر عایشه را به بهانه ادای مراسم حج و
عمره به مکه بردند ولی او را گردش داده، به بصره آوردند، من
هم ناچار برای جلوگیری از بلوای آنها و خدا و شما را بیاد آنها
آوردم ولی آنها برنگشتند تا اینکه خداوند مرا بر آنها پیروز
گردانید و خون بیست هزار نفر از مسلمانان ریخته و هفتاد دست
که میخواست مهر شتر عایشه را نگهدارد بریده شد.^(۱)

عمری به جهان علی فداکاری کرد

شب تا به سحر ز خوف حق زاری کرد

در محضر حق به کوری چشم عدو

شش دانگ بهشت را خریداری کرد

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۲۰ / مهدی موعود: ص ۱۱۷۰.

(۶۹)

﴿ شکایت امام حسن علیه السلام ﴾

امام صادق علیه السلام فرمودند: ای مفضل! آنگاه امام حسن برخواسته و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: ای جدّ بزرگوار من هنگام آمدن پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام به کوفه با حضرتش بودم تا اینکه به ضربت عبدالرحمن ابن ملجم ملعون شهید شد همانطور که شما به او وصیت کرده بودید پدرم نیز به من وصیت فرمود. چون معاویه ملعون از شهادت پدرم مطلع شد، شخصی به نام زیاد با دویست و پنجاه هزار سرباز به کوفه فرستاد و به او دستور داد که من و برادرم حسین علیه السلام و سایر برادران و بستگان و شیعیان و دوستان مرا گرفتار سازد و از ما برای معاویه بیعت بگیرد.

هرکدام از ما حاضر نشدند گردنش را زدند و سر او را برای معاویه فرستادند.

من به چپ و راست خود نگاه کردم دیدم جز بیست نفر دیگر کسی نمانده است در آن هنگام پیش خود گفتم: من هم از جدّم

پیروی می‌کنم، چون او وقتی سی و نه نفر معتقد به خدا و رسول داشت در پنهانی خدا را پرستش نمود. (۱)

ای ماهی دریا برایت گریه کرده

پیغمبر و زهرا برایت گریه کرده

عالم محیط غربتت زائر ندارد تربتت

مظلوم حسن جان، مظلوم حسن جان

هنگام تشعیت به جای ذکر و تکبیر

تابوت و تن با هم یکی گردیده از تیر

کنار قبر مادرت، شد تیر باران پیکرت

مظلوم حسن جان، مظلوم حسن جان

(۷۰)

﴿ دادخواهی امام حسین علیه السلام ﴾

آنگاه امام حسین علیه السلام با بدنی آغشته به خون، خود و یارانش که با او کشته شدند در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستد، چون پیامبر صلی الله علیه و آله او را می نگرد بلند بلند گریه می کند و از گریه او اهل آسمان و زمین نیز گریه می کنند، فاطمه زهرا علیها السلام هم ناله جانکاه از دل پر درد بر می آورد، از ناله و شیون و گریه و زاری آن حضرت زمین و اهل زمین متزلزل می گردد سپس امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام در سمت چپ آن حضرت قرار می گیرند، پیامبر صلی الله علیه و آله او را در آغوش می گیرد و می گوید: فدایت گردم یا حسین! چشمت روشن باد و چشم من هم روشن باشد سپس حمزه سیدالشهدا عموی پیامبر در سمت راست آن حضرت می ایستد و در سمت چپ جعفر طیار قرار می گیرد، ناگاه خدیجه کبری و فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین علیهما السلام محسن سقط شده فاطمه زهرا را به دست گرفته ناله کنان نزد

پیامبر صلی الله علیه و آله می آیند و مادرش فاطمه علیها السلام این آیه را تلاوت می کند:

«هذا يومكم الذي كنتم توعدون، يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضراً و نا عملت من سوء توذ لو أن بينها و بينه امداً بعيداً». (۱)

یعنی: اینست آنروزی که به شما وعده شده بود، امروز هر کس کار نیکی کرده یا عمل بدی نموده، کرده خود را خواهد یافت امروز هر کس آرزو می کند که کاش میان او و عمل بدش زمان متمادی فاصله بود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: آنگاه جدّم علی ابن الحسین علیه السلام و پدرم امام محمد باقر علیه السلام برخواسته و آنچه از امت جفاکار دیده اند به جدّ بزرگوارشان رسول خدا شکایت می کنند، سپس من «امام صادق علیه السلام» بر می خیزم و از ظلم منصور خلیفه عباسی شکایت می کنم، بعد از من فرزندم موسی بن جعفر از هارون و بعد از او علی ابن موسی از مأمون و بعد از وی فرزندش محمد بن علی علیه السلام از معتصم و بعد از وی فرزندش علی بن محمد از متوکل و بعد از او فرزندش حسن بن علی از ظلم «معتز» شکایت می کنند. آنگاه مهدی همنام جدّم رسول خدا در حالیکه پیراهن آن

حضرت را که آغشته به خون پیشانی و دندان پاکش می‌باشد پوشیده و فرشتگان اطراف او را گرفته‌اند آمده و جلو پیامبر می‌ایستد و می‌گوید: ای جدّ بزرگوار، شما مرا به اوصافی معرفی فرمودی که مردم مرا از روی آن اوصاف بشناسند و نام نسب و کنیه‌ام را ذکر فرمودی معذک منکر وجود من شدند و متمرّد گشتند و گفتند: مهدی متولد نشده و اصلاً نبوده، اگر هست کجاست و کی می‌آید؟

پدرش مرده و اولاد نداشته است و اگر او موجود و سالم می‌بود خدا آمدن او را تا این موقع به تأخیر نمی‌انداخت، من هم تا کنون صبر کردم و اینک به فرمان الهی ظاهر گشته‌ام. پیامبر می‌فرماید: خدا را شکر می‌کنم که وعده خود را درباره ما عملی ساخت و ما را وارث زمین گردانید و در بهشت هر جا بخواهیم مسکن می‌کنیم چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان.^(۱)

در آتش تب زهای هایت می‌سوخت

هفتاد و دو حنجره بی‌پایت می‌سوخت

ای جاری روسیاه ای شط فرات

لب‌های حسین از برایت می‌سوخت

۱ - بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۲۳ الی ۳۲ / مهدی موعود: ص ۱۱۷۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا
وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ
أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

